



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و آموزش عالی

راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یکزبانه

مرکز اسناد و مدارك علمی ایران
تهران - ۱۳۶۵

راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یکنزبان
ویرایش دوم با تجدید نظر (زبان اصلی)
نوشته درك آوستین ویتتردیل
ترجمه دکتر عباس حری
از انتشارات مرکز اسناد و مدارك علمی ایران
نشانی : تهران ، خیابان انقلاب ، چهارراه فلسطین ، شماره ۱۱۸۸
صندوق پستی : ۱۳۷۱-۱۳۱۸۵
تیراژ : ۱۰۰۰
قیمت : ۲۰۰ ریال

این نشریه در چاپخانه مرکز اسناد و مدارك علمی ایران بچاپ رسیده است .

بسمه تعالی

د ریښه اعلام مرکز اسناد و مدارك علمی ایران به کلیه مراکز آموزش و پژوهشی ملی براینکه این مرکز در ارتباط با وظایف خود ، نسبت به چاپ کتب و نشریات هماهنگ با زمینه کاری مرکز (علوم کتابداری و اطلاع رسانی) اقدام می نماید ، بسیاری از پژوهشگران ما را مورد لطف قرار داده و آثار خود را اعم از تالیف یا ترجمه برای چاپ در اختیار این مرکز قرار داده اند . ترجمه حاضر نیز از آن جمله است که به این وسیله از مترجم محترم آن سپاسگزاری می گردد .

رئیس مرکز اسناد و مدارك علمی ایران

"بسمه تعالی"

پیشگفتار مترجم

از نخستین نوشته های فارسی درباره اصطلاحنامه^۱ شاید بتوان ترجمه قواعد و قرارداد های ساختن اصطلاحنامه را نام برد که در سال ۱۳۵۰ توسط خانم گیتی هند سسی- افشاریه فارسی برگردانده شد. مدرك شماره ۴۶ سازمان جهانی استاندارد تحت عنوان دستور ساختن واژه نامه متن دیگری است که در سال ۱۳۵۴ توسط مرحوم پرویز مهاجر به فارسی درآمد. در سال ۱۳۵۷، اصطلاحنامه علم اطلاع رسانی و گومانتا سیون (فید) توسط آقایان دکتر محمد حسین دانشی و عبدالحسین آذرنگ به فارسی ترجمه شد که مقدمه کوتاهی آن نکاتی عام درباره اصطلاحنامه را دربرداشت. اصطلاحنامه توسعه فرهنگی اثر ژان ویت در سال ۱۳۵۸ به فارسی درآمد و در مقدمه آن مسائل و نکاتی درباره اصطلاحنامه مطرح گردید.

"اصطلاحنامه در نظام ذخیره و بازایی اطلاعات" در دوره از نشریه اطلاع رسانی (سالهای ۶۱ و ۶۲) توسط خانم دکتر مهرانگیز حریری مورد بحث قرار گرفت، و در سال ۱۳۶۳ خانم فیروزه مولا پرست در مقاله ای تحت عنوان "اصطلاحشناسی و کاربرد آن در فعالیتهای اطلاع رسانی (اطلاع رسانی، شماره یکم، سال ۱۳۶۳) بعضاً به مسائل خاص اصطلاحنامه پرداخت.

متن حاضر بر اساس استاندارد جدید سازمان جهانی استاندارد (ISO 2788) تهیه شده و کمتر ناظر بر تجهیزات یا موضوعی خاص است، و هدف آن هماهنگ کردن اصطلاحنامه هایی است که هم اکنون موجود یا در دست تهیه اند. ترجمه این متن حد و سه

سال پیش صرفاً "به قصد استفادۀ در کلاس درس تهیه شد که با تشویق بعضی همکاران در مرکز اسناد و مدارک علمی، جدیداً "برای چاپ آماده شد." در این متن بخشهای بسیار کوچکی از متن که با ساخت زبان فارسی مناسبتی نداشته حذف شد و در مواردی نیز بجای مثالهای متن اصلی، مثالهایی که برای فارسی زبانان ملموستر است جایگزین گردیده است.

در همین جالا زم است از آقای محمد نقی مهدوی و خانم وزیرپور کشمیری که بنده را برای به چاپ رساندن این ترجمه ترغیب نمودند و خاتمه‌ادکتر حریری و نعمت زاده که نکات مفیدی را برای بهبود متن پیشنهاد کردند و همچنین آقای بیجاری که آن را برای چاپ آماده ساختند سپاسگزاری شود.

عباس حریری

فهرست مندرجات

صفحه	بخش
۱	۰۱ مقدمه و دامنه
۶	۰۲ مآخذ
۷	۰۳ تعاریف
۹	۰۴ اختصارات و نمادها
۱۲	۰۵ کنترل واژگان
۱۳	۰۶ اصطلاحات نمایه ای
۱۳	۰۱/۶ کلیات
۱۴	۰۲/۶ شکل اصطلاحات
۱۴	۰۱/۲/۶ اسم و عبارت اسمی
۱۵	۰۲/۲/۶ صفت
۱۶	۰۳/۲/۶ قید
۱۶	۰۴/۲/۶ فعل
۱۶	۰۳/۶ اختصارات و آغازه ها
۱۷	۰۴/۶ انتخاب شکل مفرد و جمع
۲۱	۰۵/۶ کلمات متشابه
۲۱	۰۶/۶ گزینش اصطلاحات
۲۶	۰۷/۶ یادداشت دامنه و تعاریف
۲۷	۰۷ اصطلاحات مرکب
۳۱	۰۲/۷ اصطلاحاتی که باید بصورت مرکب حفظ شوند
۳۲	۰۳/۷ اصطلاحاتی که باید از لحاظ نحوی عامل بندی شوند
۳۷	۰۵/۷ ترتیب کلمات در اصطلاحات مرکب
۳۸	۰۸ روابط اساسی در اصطلاحنامه
۳۹	۰۲/۸ رابطه هم ارز

صفحه	بخش
۴۰	۰۲/۲/۸ مترادفها
۴۱	۰۳/۲/۸ شبه مترادفها
۴۲	۰۴/۲/۸ اطلاق کلیتر
۴۳	۰۳/۸ رابطه * سلسله مراتبی
۴۵	۰۴/۳/۸ رابطه * جنس و نوع
۴۷	۰۵/۳/۸ رابطه * سلسله مراتبی کل و جزء
۴۹	۰۶/۳/۸ رابطه * موردی
۵۰	۰۷/۳/۸ روابط چند سلسله مراتبی
۵۰	۰۴/۸ رابطه همبسته
۵۸	۰۵/۸ روابط بین مقوله ای
۶۰	۰۹ نمایش اصطلاحات و روابط آنها
۶۱	۰۲/۹ نمایش الفبائی
۶۵	۰۳/۹ نمایش نظام یافته
۷۰	۰۴/۹ نمایش ترسیمی
۷۸	۰۱۰ جنبه های مدیریت در ایجاد اصطلاحنامه
۷۸	۰۲/۱۰ روشهای تدوین
۸۰	۰۲/۱۰ ضبط اصطلاحات
۸۰	۰۳/۱۰ ارزشیابی اصطلاح
۸۱	۰۴/۱۰ تخصیص
۸۱	۰۵/۱۰ قبول ورد اصطلاحات
۸۲	۰۶/۱۰ استفاده از تجهیزات داده آمایی خودکار
۸۳	۰۷/۱۰ صورت و محتوای اصطلاحنامه
۸۵	پیوست : نمادی کردن روابط اصطلاحنامه ای

۰۱/۱ کارآیی نمایه* موضوعی بعنوان وسیله ای جهت شناسایی و بازیابی مدارك ، مستلزم وجود يك زبان نمایه ای منسجم است . این مطلب ، در باب هر نظامی که گزینش اصطلاحات نمایه آن منوط به تصمیمات ذهنی انسان باشد صدق می کند . این امر ، در نظامهایی که برای ذخیره و تنظیم اصطلاحات ، تشخیص مدارك همایند با آنها یا ترکیب اصطلاحاتی که نمایه ساز تعیین می کند ، از کامپیوتر استفاده می شود نیز صادق است .

۰۲/۱ تهیه کننده* نمایه موضوعی با سه وظیفه عده روبه روست :

الف) تعیین موضوع مدارك ؛

ب) گزینش اصطلاحاتی که مجموعاً " خلاصه ای از موضوع را ارائه می دهند ؛

ج) نشان دادن روابط میان این اصطلاحات .

نخستین وظیفه از وظایف بالا در تشریح ای جداگانه توضیح داده شده است (نگاه کنید به ۱/۲ در بخش مآخذ) . وظایف دوم و سوم ، هم به نمایه ساز و هم به استفاده کننده مربوط می شود . استاندارد حاضر تنها به برخی از جنبه های گزینش اصطلاحات می پردازد ؛ زیرا شامل روشهای پیشنهادی جهت کنترل واژگان است . ولی عده " به تدابیری اشاره دارد که برای ایجاد و ارائه انواع خاصی از روابط مابین اصطلاحات نمایه ای بکار می رود .

۰۳/۱ مابین اصطلاحات ، دو نوع رابطه می توان مشخص ساخت :

الف) روابط نحوی یا پسین؟ مابین اصطلاحاتی که مجموعاً " موضوع مدرك را خلاصه

می کنند . فی المثل ، نمایه سازی که به اثری در باب " کامپیوتر در بانکهای

تهران " می پردازد ، ممکن است سه اصطلاح " کامپیوتر " ، " بانکها " ، و

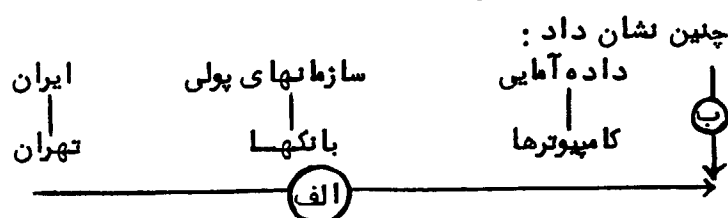
1. Syntactical.

2. aposteriori.

"تهران" را برای مدرک تعیین کند . در يك نظام پس همارا ، رابطه مابین این اصطلاحات صراحتاً " نشان داد معنی شود ، و هرگاه يك یا تمام این اصطلاحات بعنوان کلید بازیابی مورد استفاده قرار گیرد ، مدرک بازیابی خواهد شد . در نمایه پیش همارا روابط مابین اصطلاحات ممکن است بگونه های مختلف نشان داده شود ، نظیر: استفاده از نهادهایی که روابط خاصی را بیان می کنند ؛ موضع اصطلاحات در درون مدخلها ؛ استفاده از حروف مختلف چاپی ، و یا نقطه گذاری . در مثال بالا ، اصطلاحات بطور معمول و رایج ، به یکدیگر پیوسته نیستند ، و بنابراین روابط متقابل آنها را می توان از نوع رابطه وابسته به مدرک دانست .

ب (روابط پیشین^۱ یا اصطلاحنامه ای ، مابین اصطلاحاتی که براساس مدرک تعیین شده و سایر اصطلاحاتی که منطق و عرف آنها را مرتبط می داند . در همان مثال ، " بانکها " متضمن اصطلاح عاقری چون " سازمانهای پولی " است ؛ " کامپیوتر " ذهناً " با " داده آمایی " پیوستگی دارد ؛ و " تهران " محل بزرگتری چون " ایران " را متبادر می سازد . هر يك از این اصطلاحاتی که ذهناً " پیوسته اند ، ممکن است در استفاده از نمایه موضوعی بکار گرفته شود . این روابط مستقل از مدرک است ؛ زیرا مقبولیت عام دارد و می توان از طریق رجوع به منابع استناد دارد ، نظیر فرهنگها و دایره المعارفها ، به ایجاد آنها دست زد .

۴/۱ . تفکیک میان این دو نوع رابطه مابین اصطلاحات را می توان در يك نمودار



1. a priori.

و شیمیایی در این استاندارد پیشنهاد نشده است.

ب) «عوما» مبتنی بر مفهوم "اصطلاح مرجح"^{۱)} است (برای تعریف به بخش "۳/۳ ب" رجوع شود).

ج) کاربرد آن محدود به سازمانهایی است که برای تحلیل مدارک و بیان موضوع آنها به زبان نمایی کنترل شده، از نیروی انسانی استفاده می کنند. این استاندارد برای سازمانهایی که کلاً از شیوه های نمایی سازی خودکار بهره می گیرند، و اصطلاحات را به کمک کامپیوتر طبق ضوابطی نظیر بسامد وقوع اصطلاحات یا همجواری آنها در متن، سازماندهی می کنند، بکار نمی آید. ولی به نظر می رسد که یک اصطلاحنامه منسجم را می توان بعنوان ابزاری مفید برای جستجو در یک نظام متن آزاد نیز بکار گرفت.

د) این استاندارد، «عدا» به چگونگی نمایی سازی مدارکی می پردازد که در فهرستها و کتابشناسیها سیاهه می شوند، و لذا با تهیه نمایی، انتهای کتابها کاری ندارد. گرچه ممکن است بسیاری از شیوه های پیشنهادی برای آن منظور نیز مفید افتد.

۷/۱. توصیه های این استاندارد، تنها مربوط به اصطلاحنامه های یکزبانانه است و به شرایط خاص اصطلاحنامه های چندزبانانه — یعنی اصطلاحنامه هایی که در آنها معادلهای هر مفهوم با اصطلاحات گزیده از بیش از یک زبان طبیعی بیان می شود هیچگونه اشاره ای نمی کند. طرز تهیه و روزآمد نگهداشتن اصطلاحنامه چندزبانانه بطور جداگانه در نشریه استاندارد بین المللی آمده است (به ۲/۲ در بخش مآخذ پایان فصل رجوع کنید).

1. Preferred Term.

3. Adjacency.

2. Frequency of Occurrence.

4. Free-Text System.

با توجه به اینکه اصول بنیانی استاندارد حاضر را می‌توان ، هم مستقل از زبان و هم مستقل از فرهنگ دانست ، این اصول بعنوان اساس استاندارد چندزبانه ها نیز پذیرفته شده است . در نتیجه ، اصول و شیوه های کلی که برای هر دو نـوع اصطلاحنامه مفید است فقط در متن حاضر بتفصیل توصیف شده است . عبارت دیگر ، این موارد در راهنمای اصطلاحنامه های چند زبانه تکرار نشده است .

- 2.1. ISO/DIS 5963: "Methods for examining documents, determining and selecting indexing Terms."
- 2.2. ISO/DIS 5964: "Guidelines for the establishment and development of multilingual thesauri."

۳. تعاریف

در تدوین این استاندارد، از تعاریف زیر استفاده می‌شود.

۱/۳ اصطلاح مرکب. نوعی اصطلاح نمایه‌ای است (تعریف ۳/۳ را ببینید) که می‌توان آنرا از لحاظ واژه‌شناسی به اجزاء جداگانه تقسیم کرد - و هر یک از آن اجزاء را مانند يك اسم مستقل^(۱) بعنوان اصطلاح نمایه‌ای بکار برد. بسیاری از اصطلاحات مرکب دارای اجزاء زیر هستند:

الف) کانون^(۲) یا رأس، آن جزء اسمی است که رده کلی مفاهیم مورد اشاره اصطلاح را مشخص می‌سازد؛ مانند:

يك (جزء اسمی "نمایه‌ها" در اصطلاح مرکب "نمایه‌های چاپی"

دو) کلمه "بیمارستانها" در عبارت "بیمارستانهای کودکان"

ب) میز^(۲) یا یانگر^(۳)، یعنی يك یا چند جزء دیگر که گستره کانون را محدود می‌کند و بدین طریق یکی از زیر رده‌های آن را مشخص می‌سازد. مانند:

يك (صفت "چاپی" در اصطلاح مرکب "نمایه‌های چاپی"

دو) کلمه "کودکان" در اصطلاح مرکب "بیمارستانهای کودکان"

کانون و ممیز (های) آن ممکن است از یکدیگر جدا نوشته شوند نظیر: "تخت عمل"، "سال نو"، یا به یکدیگر پیوسته باشند و کلمه واحدی را تشکیل دهند، نظیر: "تختخواب"، "سالنامه".

۲/۳ مدرک. هر چیز چاپی یا غیر چاپی که قابلیت فهرست یا نمایه شدن را داشته باشد. این تعریف، نه تنها به مواد نوشته چاپ شده بر کاغذ یا میکروفورم (نظیر کتاب، نشریه، نمودار، نقشه) اشاره دارد؛ بلکه مواد غیر چاپی

-
1. Focus.
 2. difference.
 3. modifier.

(از قبیل صفحه ، فیلم ، نوار ماشین خوان و غیره) ، و اشیاء سه بعدی یا واقعه^۱ را که بعنوان مدل بکار می روند نیز در برمی گیرد .

۳/۳ • اصطلاح نمایه ای . ارائه کلامی يك مفهوم است که عمدتاً " به شکل اسم یا عبارت اسمی بیان می شود . اصطلاح نمایه ای ممکن است بیش از يك کلمه باشد که در این صورت آنرا اصطلاح مرکب می خوانند (رجوع کنید به تعریف ۱/۳) . در يك واژگان نمایه ای کنترل شده ، اصطلاحات ممکن است به یکی از دو دسته زیر تعلق یابند:

الف) اصطلاحات مرجع • اصطلاحاتی که پیوسته برای بیان مفاهیم در نمایه سازی بکار می روند و گاه " توصیفگر " نیز نامیده می شوند؛

ب) اصطلاحات نام مرجع^۲ • اصطلاحات مترادف و شبه مترادف که به مدارك تعلق نمی گیرند ولی بعنوان شناسه در يك اصطلاحنامه یا نمایه الفبایی وارد می شوند و استفاده کننده با دستورالعملهایی (نظیر " بکار ببرید " یا " نگاه کنید ") به اصطلاح مرجع مناسب هدایت می شود ؛ اینگونه اصطلاحات را گاه " غیر توصیفگر "^۳ نیز می نامند . در يك اصطلاحنامه ، چاپی ، اصطلاحات مرجع و نام مرجع باید حتی الامکان از لحاظ نوع حروف چاپی از یکدیگر متمایز گردند .

۴/۳ • زبان نمایه ای . مجموعه ای کنترل شده از اصطلاحاتی است که از زبان طبیعی گرفته شده و برای نشان دادن خلاصه ای از موضوع مدارك بکار می رود .

۵/۳ • عبارت راهنما^۴ . اصطلاحی ساختگی است که در نمایه سازی به مدارك تعلق نمی گیرد ؛ ولی در بخش نظام یافته بعضی اصطلاحنامه ها وارد می شود تا اساس منطقی تقسیمات يك موضوع را نشان دهد و گاه " چهریزه نما "^۵ نیز خوانده می شود . مانند :

1. Realia.

4. Node Label.

2. Non-Preferred Terms

5. Facet indicator.

3. Non-descriptor.

اجزاء

بحسب شغل

بحسب هلف

(برای توضیح بیشتر در باب اصطلاح راهنما به بخش ۳/۳/۸ مراجعه کنید.)

۰۶/۳ اصطلاحنامه • واژگان زبان نمایه‌ای کنترل شده‌ای است که طبق اصول طوری سازمان یافته که روابط یثین بین مفاهیم (نظیر "اعم" و "اخص") را روشن می‌سازد •

(۱)

۴. اختصارات و نمادها

۰۱/۴ اختصارات زیر که در سراسر این متن نیز بکار رفته ، پیش از اصطلاحات و نظایر آنها قرار می‌گیرند • هر نشانه اختصاری نمایشگر رابطه یا کارکرد اصطلاح یا یادداشتی است که به دنبال آن می‌آید • این نشانه‌ها بشرح زیرند :

۰ ا ع (BT) = " اصطلاح اعم " : اصطلاح پس از این علامت اختصاری ، مفهومی بابر معنایی وسیعتر را نشان می‌دهد •

۰ ا خ (NT) = " اصطلاح اخص " : اصطلاح پس از این علامت اختصاری ، مفهومی بابر معنایی محدودتر را نشان می‌دهد •

۰ ا و (RT) = " اصطلاح وابسته " : اصطلاح بعد از آن با اصطلاح مدخل همبستگی دارد ولی مترادف ، شبه مترادف ، اعم یا اخص آن نیست •

۰ ی د (SN) = " یادداشت دامنه " : یادداشتی که پس از یک اصطلاح می‌آید و معنای خاص آن را در یک زبان نمایه‌ای روشن می‌سازد •

۱.۰ (TT) = "اصطلاح راس" : اصطلاح بعد از این علامت ، تمام
 مـتـرین رده ای است که اصطلاح خاص مورد نظر به آن تعلق دارد ؛ گاه در بخش
 الفبائی يك اصطلاحنامه بکار می رود .

بج (UF) = " بکار برید بجای " : اصطلاح بعد از آن ، مترادف یا شبه
 مترادفی نامرچ است .

بك (USE) = " بکار برید " : اصطلاح بعد از آن ، اصطلاحی مرجح است ،
 و این در مواردی است که مسئله انتخاب میان مترادفها ، یا شبه مترادفها مطرح
 است .

۲/۴ . اختصاراتی با همین معانی در اصطلاحنامه های سایر زبانها نیز بکار می رود .

۳/۴ . اختصاراتی که در بخشهای ۱/۴ و ۲/۴ سیاه شده عموماً " بصورت
 قرارداد هایی شناخته شده درآمده اند و در بیشتر اصطلاحنامه های چاپی
 بکار می روند . مسلماً " ارزش آنها بخاطر سهولت بیاد سپاری آنهاست ؛ لیکن
 باید بخاطر داشت که تابع زبان نیز هستند . اگر این ویژگی آنقدر اهمیت
 دارد که استفاده از زبانی " خنثی " را توجیه کند ، هر سازمان علاقه مندی

1. Top Term.

فرانسوی	آلمانی	۰۲
TG = اصطلاح اعم	OB = اصطلاح اعم	
TS = اصطلاح اخص	UB = اصطلاح اخص	
VA = اصطلاح وابسته	VB = اصطلاح وابسته	
EM = بکار برید	BS = بکار برید	
EP = بکار برید بجای	BF = بکار برید بجای	
NE = یادداشت دامنه	D = یادداشت دامنه (یا تعریف)	

می‌تواند از نمادهای مستقل از زبان که توسط " سازمان بین‌المللی استاندارد^۱ " گسترش یافته و در پیوست این متن آمده است، استفاده کند.

۴/۴ • قرار دادهای زیر نیز در مثالهای این استاندارد بکار رفته است:

الف) اصطلاحات مرجع همه جا با حروف سیاه آمده است. نظیر:

اتومبیلها

حیوانها

ب) اصطلاحات نامرجح با حروف نازک نوشته شده — با استثناء اختصارات یا آغازها^۲ که با حروف سیاه آمده اند. مانند:

اتومبیلها

بج: خودروها

حیوانها

بج: جانوران

هواپیمایی ملی ایران

بج: هما

۴/۵ • اصطلاحات مرکب گاه از لحاظ واژه شناسی به اجزای خود تقسیم می‌شود و هر جزء "مستقلا"

بعنوان اصطلاحی نمایه ای بکار می‌رود (به بخش ۷ مراجعه کنید). اگر قرار

است از اصطلاح مرکب بعنوان یک کل، به اصطلاحات مجزایی که بصورت ترکیب

برای نمایه سازی بکار می‌روند، ارجاع داده شود، باید برای نشان دادن آن

از قرار دادهایی نظیر آنچه در زیر می‌آید استفاده کرد:

..... بك و و

مانند:

برداشت گندم بك برداشت و گندم

1. International Standard organization (ISO).

2. Acronyms:

کلمه ای که از حروف آغازین کلمات مهم يك اصطلاح مرکب تشکیل شده باشد.

۵. کنترل واژگان

۱/۵ • برای توفیق در کنترل واژگان اصطلاحنامه دو تدبیر اساسی اتخاذ می‌شود :
الف) اصطلاحات از لحاظ دامنه ، عمداً " به معانی تعیین شده ای محدود می‌شوند .
برخلاف اصطلاحات يك واژه نامه که ممکن است با تعاریف مختلفی که کاربرد متداول را منعکس می‌سازند همراه باشند ، در اصطلاحنامه ، هر اصطلاح عموماً " محدود به آن معنای واحدی است که نیازهای نظام نمایی سازی را به مؤثرترین وجه برمی‌آورد . ساخت اصطلاحنامه ، بویژه شیوه * ارائه روابط سلسله مراتبی آن ، غالباً " نشان دهنده معنای مورد نظر از يك اصطلاح است . اگر معنای مورد نظر از این طریق به اندازه کافی روشن نیست باید تعریف یا یادداشت دامنه برای اصطلاح فراهم شود . این یادداشت باید معنای انتخاب شده را بیان کند ، و ممکن است معانی دیگری را هم که در زبان طبیعی معمول بوده ولی بر اساس هدفهای نمایی سازی عمداً " حذف شده اند نشان دهد .

ب) هرگاه يك مفهوم را بتوان با دو یا چند مترادف بیان کرد ، معمولاً " یکی از آنها بعنوان اصطلاح مرجع برگزیده می‌شود (تعریف ۳/۳ "الف" را ببینید) پیوسته همان اصطلاح در نمایی سازی بکار می‌رود . ارجاع به اصطلاح مرجع باید از کلیه مترادفهایی که ممکن است نقطه * حرکت استفاده کننده باشد فراهم شود . همانگونه که در بالا اشاره شد ، در اصطلاحنامه * چاپی باید اصطلاحات مرجع را توسط نوع حروف چاپی ، از اصطلاحات نامرجع متمایز ساخت .

۲/۵ • سایر تدابیر کنترل واژگان در بخشهای بعدی بررسی خواهد شد . اشارات این بخشها مربوط به موارد زیر است :
گزینه‌های صورت‌های مفرد و جمع ،
انتخاب اصطلاح مرجع در برخورد با مترادفها ، تصمیم در باب اینک —
اصطلاح مرکب به همان حال حفظ شود و یا به اجزاء آن تقسیم گردد و از هر يك مستقلاً " بعنوان يك اصطلاح نمایی ای استفاده شود .

۰۶ اصطلاحات نمایه‌ای

۰۱/۶ کلیات

۰۱/۱/۶ مفاهیمی که توسط اصطلاحات نمایه‌ای بیان می‌شوند ، عمدتاً "بسمه
مقوله‌های زیر تعلق دارند :

الف (ذوات محسوس^(۱)

يك (موجودات و اجزاء مادی آنها . نظیر :

پرفندگان

بالها

میکروفرمها

سلسله کوهها

دو (مواد . مانند :

چسب

لاستيك

تیتانیوم

ب (ذوات مجرد^(۲)

يك (اعمال و رویدادها . مانند :

انجماد

ورزش

بازاریابی

1. Concrete entities.

2. Abstract entities.

دو) ذوات مجرد ، و خصوصیات اشیاء ، مواد یا اعمال - مانند :

انعطاف

اخبار

شخصیت

سرعت

ج) ذوات مفرد ، یا « دده های تك عضوی » ، که بصورت اسم خاص بیان شود . مانند :

سری لاکتا

سازمان بهداشت جهانی

۰۲/۱/۶ • تهیه کننده اصطلاحنامه باید از این رده ها آگاه باشد ؛ زیرا ممکن است در تصمیمات وی نسبت به مسائلی که در بخشهای بعد بحث می شود از قبیل انتخاب میان مفرد و جمع ، و آزمایش صحت و سقم سلسله مراتب اثر بگذارد •

۰۲/۶ • شکل اصطلاحات

۰۱/۲/۶ • اسم و عبارت اسمی

ترجیح دارد که اصطلاح نمایه ای ، اسم یا عبارت اسمی باشد • عبارات اسمی به گروه اصطلاحات مرکب تعلق دارند (به تعریف ۱/۳ مراجعه کنید) ، و به دو صورت ممکن است ظاهر شوند :

الف) . عبارت وصفی ، ترکیبی تکواژه ای است که می توان از لحاظ واژه شناسی آنرا به یکناسم و یک ممیز یا بیانگر که نقش صفت را دارد تقسیم کرد :

مانند :

پرندگان دریایی

ب) . عبارت اضافه ای

بیمارستانهای کودکان

آن بخش از اصطلاح مرکب که نقش ممیز را برعهده دارد ، می تواند منبع بالقوه ای برای افزایش اصطلاحات اصطلاحنامه باشد . هرگاه ممیز يك صفت باشد ، ترجیح دارد اسمی که صفت از آن ساخته شده بعنوان اصطلاح افزوده انتخاب شود . وقتی که این اصطلاحات پذیرفته شد ، اصطلاحنامه باید روابط دو سویه با بین اصطلاح افزوده و کل اصطلاح مرکب را نشان دهد .

مثال :

يك * پرندگان دریایی

و . ۱ : دریاها

دریاها

و . ۱ : پرندگان دریایی

دو * مدرسه های کودکان معلول

و . ۱ : کودکان معلول

کودکان معلول

و . ۱ : مدرسه های کودکان معلول

۰۲/۲/۶ صفت

۰۱/۲/۲/۶ صفت در شرایط خاصی که - در زیر بدانها اشاره خواهد شد - ممکن

است ، مستقلاً " در زبان نمایه بکار رود ؛ ولی حتی الامکان بایست از

استفاده از آن پرهیز کرد .

۰۲/۲/۲/۶ در زبانهایی که صفت بعد از موصوف قرار می گیرد می توان از يك صفت

به عبارت اسمی که آن صفت را دربرمی گیرد ارجاع داد . مثلاً " يك

1. Extra Term.

۰۲ فی المثل ، " فارسی " به معنای " زبان فارسی " پذیرفته شده و به جای آن بکار می رود .*

نماینه می‌تواند ، از صفت " پاستوریزه " به اصطلاحات مرکبی چگون
" کره پاستوریزه " ، " شیر پاستوریزه " و " خامه پاستوریزه " و غیره
ارجاع دهد .

۳/۲/۶ • قید

قیدها ، نظیر " بسیار " یا " زیاد " ، را نباید به تنهایی بعنوان اصطلاحات
نماینه ای بکاربرد . از عباراتی که باقید شروع می‌شوند نیز باید حتی الامکان پرهیز
کرد ، مگر آنکه در یک زبان فنی معنای خاصی یافته باشند .

مانند:

تند خوانی

۴/۲/۶ • فعل

از بکار بردن افعال بصورت مصدر یا وجه وصفی بعنوان اصطلاحات نماینده ای
باید پرهیز کرد . فعالیتها را باید به شکل اسم یا اسم فعل منعکس ساخت .

مانند :

آشپزی (نه " آشپزی کردن ")

ویراستاری (نه " ویراستن ")

هرگاه استفاده از یک اسم برای نشان دادن یک فعالیت سبب نوعی ابهام ضمنی
است ، باید برای هر اصطلاح از عبارت توضیحی استفاده کرد .

مانند :

حکومت (فعالیت)

حکومت (اشخاص)

۳/۶ • اختصارات و آغازه ها

اختصارات و آغازه ها را نباید بعنوان اصطلاحات مرجح بکاربرد مگر اینکه بطور
گسترده مورد استفاده قرار گیرند و در قلمرو تحت پوشش اصطلاحات بسهولت مفهوم
باشند . بسیاری از آغازه ها و اختصارات متشابه هستند ، بنابراین ، صورت کامل نام
را باید بعنوان اصطلاح مرجح بکاربرد و ارجاع دو سویه ای از شکل مختصر شده و نام

کامل فراهم کرد .

مانند :

هواپیمایی ملی ایران

بج : هما

هما بك هواپیمایی ملی ایران

اختصارات و آغازه ها را در صورتی می توان بعنوان اصطلاح مرجع بکار برد که کاملاً " جا افتاده باشند و شکل کامل آنها یا بندرت مورد استفاده قرار گیرد یا بطور کلی ندیده گرفته شود : با وجود این باید بین شکل مختصر شده و اصطلاح کامل از ارجاع دو سویه استفاده کرد .

مانند :

یونسکو

بج : سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی ملل متحد

سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی ملل متحد بك یونسکو

۴/۶ . انتخاب شکل مفرد یا جمع

۱/۴/۶ . تصمیم در باب استفاده از صورت مفرد یا جمع کلمات بعنوان اصطلاح نمایه ای

ممکن است از عوامل زیر تأثیر پذیرد :

(الف) . نمایه سازی پس هماد در برابر پیش هماد^(۱) . در نمایه پیش هماد^(۲) ، اصطلاحات گزیده از اصطلاحنامه ، در قالب شناسه های نمایه ای^۳ بگونه ای سازمان می یابند که هر شناسه بعنوان يك كل ، موضوعی را باختصار بیان کند . رابطه مابین اصطلاحات ممکن است به شیوه های گوناگون بیان شود ؛ نظیر ترتیب کلمات و یا استفاده از حروف چایی خاص و نقطه گذاری . در برخی نظامها ، اصطلاحات ممکن است در عباراتی سازمان یابند که اجزاء درونی آنها توسط حروف اضافه یا

1. Past-coordinate Indexing.

3. Index Entry.

2. Pre-coordinate Indexing,

حروف ربط به یکدیگر پیوند یابند • در این شرایط ، معنی و جامعیت شناسنامه
 نمایی ای بعنوان يك كل ممكن است تحت تاثیر صورتهای مفرد یا جمع قرار گیرد •
 این امر در مورد نظام پس همارا صدق نمی کند ؛ زیرا اصطلاحات بعنوان
 کلیدهای بازیابی مستقل به مدارك تعلق می گیرند — بدون آنکه روابط متقابل
 آنها نشان داده شود •

ب) . عوامل فرهنگی • ارگانهای موجود در کشورهای مختلف ، در باب بکار بردن مفرد
 یا جمع از سنتهای گوناگونی پیروی می کنند • مثلاً " در کشورهای انگلیسی زبان ،
 اصطلاحات ، بسته به عواملی که بعداً " توضیح داده خواهد شده (بخش
 ۲/۴/۶) ، ممکن است بصورت مفرد یا جمع بکار روند • نمایی سازان سایر
 زبانها ، از جمله فرانسویها و آلمانیها ، حتی المقدور صورت مفرد را ترجیح
 می دهند تا استفاده کننده بتواند همانگونه به اصطلاحنامه یا نمایی رجوع کند که
 به يك لغتنامه مراجعه می کند • اما در این موارد نیز به دلایل علی ، بنابینه
 نوع نظام نمایی سازی (قسمت الف در فوق) ، یا ضرورتهای اتقاقی جهت جلوگیری
 از ابهام به دلیل اشاره * کلمه مفرد به مفاهیم متفاوت ، ممکن است از صورت جمع
 استفاده شود •

۲/۴/۶ • در سازمانهایی که از هر دو صورت جمع و مفرد کلمات استفاده می شود ،
 انتخاب اصطلاح مرجح عموماً " به نوع مفهومی که بیان می شود بستگی
 دارد • همانگونه که اشاره شد (بخش ۱/۱/۶) اصطلاحات ممکن است به
 بیان ذوات محسوس و ذوات مجرد بپردازند • این دورده را در زیر
 جداگانه بررسی می کنیم :

۱/۲/۴/۶ • اسمهایی که ذوات محسوس را بیان می کنند ، ممکن است خود به دو
 دسته تقسیم شوند :

الف) . اسمهای قابل شمارش یعنی نام اشیا قابل شمارش که در جواب " چند تا ؟ " و نه
 " چقدر ؟ " می آید • اینگونه اسمها باید بصورت جمع بکار روند •

مانند

مدرکها

پنگوئنها

حزبهای سیاسی

پنجره ها

در باب نام اعضای بدن بگونه ای خاص رفتار می شود . وقتی بیش از یکی از آنها در يك موجود زنده وجود دارد بصورت جمع ، و اگر تنها یکی است مفرد بکار می رود .
مانند :

گوشها	اما	دستگاه گوارش
دستها		سر
ششها		بینی

ب . اسمهای غیر قابل شمارش نام مواد یا عناصری که در پاسخ " چقدر؟ " و ——— " چند تا؟ " می آیند . اینگونه اسمها باید مفرد بکار روند .
مانند :

رنگ

بخار

زغال

اگر برای جامعه استفاده کننده از نمایی ، عنصر یا ماده ای بعنوان يك رده با بیش از يك عضو مطرح است ، این رده باید بصورت جمع بکار رود .
مانند :

پلاستیکها

زهر ها

۶/۴/۲۰ نام مفاهیم مجرد ، نظیر ذوات مجرد و پدیده ها ، خواص ، نظامهای اعتقادی ، فعالیتها و رشته های علمی را باید بصورت مفرد بکار برد .

مانند :

فوات مجرد و پندیدهما : شخصیت ، زمستان
خراس : شکنندگی ، گدزی ، اتعلال پذیری
نظامهای اعتدای ، شینتوئیسم
نمایندها : پرش ، مهاجرت ، تنفس
رشته های علمی : فیزیک ، جامعه‌شناسی

وقتی مفهومی مجرد بعنوان رده ای با بیش از یک عضو تلقی می‌شود ، اصطلاحی که
برای بیان رده بکار می‌رود باید جمع باشد .

مانند :

واکنشهای شیمیایی
علوم فیزیکی
مجموعه ها

۳/۴/۶ • هرگاه صورتهای مفرد و جمع یک اصطلاح به مفاهیم متفاوت اشاره دارند ،
باید هر دو را در اصطلاحنامه بکار گرفت . در صورت لزوم ، تفاوت آن دو
باید بوسیله اصطلاح یا عبارت توضیحی بیان شود .
مانند :

رشته (ماده خوراکی)

رشته ها (شاخه های علمی و آموزشی)

باید توجه داشت که در این موارد ، توضیحگر بخشی جدایی ناپذیر از اصطلاح
خواهد بود و یادداشت دامنه تلقی نمی‌شود (نیز نگاه کنید به بخش ۷/۶) .

۴/۴/۶ • هرگاه صورت مفرد و جمع کلمات آنقدر متفاوت باشند که مابین آنها در ردیف
الفبایی ، اصطلاحات دیگری فاصله بیندازند ، از شکل غیر مرجح بایستد
ارجاعی تهیه کرد .

مانند :

حزب يك احزاب

دوره يك ادوار

۰۵/۶ کلمات متشابه^۱

کلمات متشابه یا چند معنایی (که گاه با اصطلاح اعم "همنام"^۲ مشخص می‌شوند) کلماتی هستند که دارای املا^۳ یکسان ولی معانی متفاوت باشند .
مانند :

شیر ، که هم ماده ای خوراکی است و هم به حیوانی گوشتخوار اطلاق می‌شود .

هرگاه در نعایه سازی با کلمات متشابه برخورد شود ، باید برای هر يك از آنها ، اصطلاح یا عبارت توضیحی تهیه کرد . اصطلاح نعایه ای باید از توضیحگر آن متمایز باشد ، یعنی باید از حروف متفاوت چایی یا پرانتز سود جست . توضیحگر بعنوان یادداشت دامنه بحساب نمی‌آید (رجوع کنید به بخش ۷/۶) و هر اصطلاح همراه با توضیحگر آن مجموعاً "يك واحد تلقی می‌شود" .
مانند :

شیر (لبنیات)

شیر (حیوان)

۰۶/۶ گزینش اصطلاحات

۰۱/۶/۶ املا^۴ املائی از کلمه را باید بکاربرد که مقبولیت عام دارد . اگر املاهای مختلف از يك کلمه وجود دارد باید همه را در اصطلاحنامه وارد ساخت و از صورتهای نامرجح آن به اصطلاح مرجح ارجاع داد .

-
1. Homograph.
 2. Polyseme.
 3. Homonym.

مانند :

اطاق بك اطاق

اطريش بك اتريش

ذغال بك زغال

املاء بايد ، حتى الامكان ، شيوه^۱ متداول در لغتنامه ها يا واژه نامه هاى معتبر را دنبال كند . اگر انتخاب املاى خاص به دلايل فرهنگى صورت مى گيرد ، ماخذ گزينش بايد در مقدمه ذكر شود و اين انتخاب بايد بطور همسان در سراسر اصطلاحنامه مد نظر باشد .

۲/۶/۶ . واژه هاى عارى^(۱) و ترجمه آنها اصطلاحاتى كه از ساير زبانها گرفته شده ، گاه " واژه هاى عارىتى " ناميده مى شوند . منظور آن دسته از اصطلاحات بيگانه است كه بعنوان اصطلاحات ابداعى جديد پذيرفته مى شوند . اينگونه اصطلاحات در صورتى كه جا افتاده باشند ، مى توانند در اصطلاحنامه وارد شوند . گاه واژه عارىتى و ترجمه آن هر دو موجود است . اگر واژه عارىتى از مقبوليت بيشترى برخوردار است ، ترجمه آن را بايد نوعى اصطلاح نامرجم تلقى كرد ؛ ولى اگر ترجمه آن جا افتاده باشد ، بايد آن را مرجم دانست . بهر حال بايد ارجاع دو سويه اى مابين اصطلاحات مرجم و نامرجم برقرار كرد .

مانند :

سوسياليسم

بج : جامعه گرايى

جامعه گرايى بك سوسياليسم

1. Loan Words.

2. Coined Terms.

هنگام حرف‌په‌پهسی از زبانهایی که دارای الفبای متفاوت هستند ، آنچه در نشریه سازمان بین‌المللی استاندارد (ایزو) آمده باید حتی‌الامکان رعایت شود . برخی از این استانداردها در بخش ۲ آمده است .

۰۴/۶/۶ اصطلاحات کوچه^۲

این اصطلاحات ممکن است در شرایطی که ذیلاً "مورد اشاره قرار می‌گیرد در نمایه سازی وارد شوند :

الف) مفهوم جدید الولاده ای که بیان آن توسط اصطلاحی که از زیر فرهنگ یــــا گروه اجتماعی خاصی نشأت گرفته است صورت می‌گیرد ، و هیچ معادلی که مقبول عام باشد ندارد . چنین اصطلاحی را می‌توان بعنوان اصطلاح نمایه ای پذیرفت .

مانند :

سگ‌ست

باطیها

ب) اصطلاح کوچه که بعنوان معادل اصطلاحی موجود و جا افتاده پدید می‌آید . در این وضع ، باید اصطلاح جا افتاده را بعنوان اصطلاح مرجع برگزیند ، و اصطلاح کوچه را تنها در صورتی می‌توان بعنوان اصطلاح نامرجح پذیرفت که به علت متداول بودن ممکن است جوینده تحت آن اصطلاح به نمایه مراجعه کند .

مانند :

شعبده بازی

بج : چشم بندی

چشم بندی بك شعبده بازی

1. Transliteration.

2. Slang Terms.

۵/۶/۶ • اسمهای عام و نامهای تجاری، هرگاه اسم عامی نیز برای آن وجود دارد، باید آن را بعنوان اصطلاح مرجح پذیرفت، و نام تجاری را تنها زمانی اصطلاح نامرجح تلقی کرد که نقطه آغاز مراجعه استفاده کننده به نمایه باشد.

مانند:

بادپزن برقی

بج: پنکه

پنکه بك بادپزن برقی

۶/۶/۶ • نامهای رایج و نامهای علمی. هرگاه نام رایج و نام علمی، هر دو به يك مفهوم اشاره داشته باشند، نامی را باید بکار برد که با احتمال قوی، بیشتر مورد مراجعه استفاده کننده^۱ نمایه قرار می گیرد. فی المثل "پنگوئنها" را می توان در يك نمایه^۲ عام بکار برد؛ ولی معادل علمی آن یعنی "سفنی سیفرمها"^۱، ممکن است در يك نمایه مربوط به جانورشناسی مرجح باشد. در اینگونه موارد، ارجاعات دو سویه ضروری است.

۷/۶/۶ • اسم مکان، نام کشورها و مناطق جغرافیایی گاه از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. حتی در يك زبان ممکن است به دلایل زیر يك محل به دو نام خوانده شود:

الف) نام "رسمی" و "رایج" هر دو کاربرد عام داشته باشند:

مانند:

شهری

شاه عبدالعظیم (شهر)

1. Sphenisciformes.

ب) نام اصلی و نام بومی هر دو بکار روند :

مانند :

ایزه

هویزه

بعنوان يك قاعده کلی ، نامی که بیش از همه برای استفاده کنندگان آشنا تر است باید اصطلاح مرجح قرار گیرد . در شرایط مساوی ، نام رسمی برنام رایج ترجیح دارد . ارجاعات دوسویه مابین صورتهای مرجح و نامرجح ضروری است .
مانند :

شهری

بج : شاه عبدالعظیم (شهر)

شاه عبدالعظیم (شهر) بك شهری

۸/۶/۶۰ اسم خاص سازمانها و اشخاص

۱/۸/۶/۶۰ اینگونه اصطلاحات غالبا " از اصطلاحنامه حذف می شوند . در صورت درج آنها در اصطلاحنامه ، باید قواعد معتبر فهرستنویسی را رعایت کرد . این اسمها گاه به لحاظ ریشه آنها ، ممکن است بایکدیگر متفاوت باشند . در اینگونه موارد رهنمودهای زیر را باید بکار بست :
الف) نام سازمانهای ملی و محلی ، یعنی سازمانهایی که کارشان احتمالا " نشریه ای که منتشر می سازند محدود به يك زبان است ، باید بصورت ترجمه نشده ضبط شود . هرگاه صورت ترجمه شده ، آن نیز موجود است ، باید آن را اصطلاح نامرجح تلقی کرد .

ب) در مورد نام سازمانهای بین المللی ، یا سازمانهای محلی که مدارك خود را به بیش از يك زبان منتشر می کنند ، باید از معروفترین صورت آنها استفاده کرد . اگر نمایه ، مورد استفاده خوانندگانی با زبانهای مختلف قرار می گیرد ، باید شکل محلی آن نام در سایر زبانها را بعنوان اصطلاح نامرجح پذیرفت .

ج) نام اشخاص را باید به شکل اصلی خود ضبط کرد • برای نام بعضی افراد ،
 بویژه چهره های تاریخی که شهرت جهانی کسب کرده اند ، و شکل محلی نام
 آنها چنان مورد قبول قرار گرفته که می تواند اصطلاح مرجح تلقی شود ، در صورت
 لزوم از شکل اصلی بدان ارجاع داده می شود • البته باید توجه داشت که این
 موردی استثنائی است •

۰۷/۶. یادداشت دامنه و تعریف

۰۱/۷/۶. یادداشت دامنه و تعریف را می توان به یک اصطلاح افزود تا حدود
 مفهومی که مورد نظر نمایه سازی است مشخص گردد و معانی احتمالی دیگر
 حذف شود • اطلاعات دیگری را نیز می توان از طریق یادداشت دامنه
 ارائه داد ، از جمله :

الف) تاریخی که اصطلاح پذیرفته شده یا دامنه آن مورد تجدید نظر قرار گرفته
 است ؛

ب) مآخذ اصطلاح ، بویژه در باب واژه های نو - یعنی اصطلاحاتی که بتازگی
 ابداع شده و نمایشگر مفاهیمی جدید هستند ؛

ج) دستورالعملهایی که برای استفاده نمایه سازان ارائه می شود ، نظیر مجاز یا غیر
 مجاز بودن ترکیب اصطلاحات در یک زبان نمایه ای •

حروفی که برای چاپ یادداشت دامنه یک اصطلاح بکار می رود باید از حروف خود
 اصطلاح متمایز باشد •

مانند :

فرکانسهای مایکروویو

ی ۰ د : ۱ Ghz تا ۳۰۰ Ghz

۰۲/۷/۶ • برخلاف توضیحگرها که در بخشهای ۳/۴/۶ و ۵/۶ مورد اشاره قرار گرفت، یادداشت دامنه بعنوان جزء تشکیل دهنده اصطلاح تلقی نمی‌شود. یادداشت دامنه، یک تعریف واژه نامه‌ای نیست؛ بلکه بعنوان معرف شیوه استفاده از یک اصطلاح در زبان نمایی خاص عمل می‌کند. لازم نیست برای کلیه اصطلاحات اصطلاحنامه یادداشت دامنه فراهم شود. هر اصطلاحنامه، از طریق ساختمان خود و روابط معنایی خصوصاً "ارجاعات اعم و اخص، عموماً" حوزه معنایی یک اصطلاح را تعیین می‌کند. این عمل معمولاً "برای بیان تعبیر مورد نظر از یک اصطلاح خاص کافی است. یادداشت دامنه گاه تاحد یک تعریف کامل گسترش می‌یابد و این در موردی است که، فی‌المثل، یک اصطلاح در تداول عام با سهل انگاری بکار می‌رود یا واژه نامه‌های مختلف، معانی متفاوت از آن بدست می‌دهند.

مانند:

دگوما تاسیون

ی. د: فرایند ذخیره و بازیابی مدارک در کلیه حوزه‌های دانش

۰۷ اصطلاحات مرکب

۰۱/۷ کلیات

۰۱/۱/۷ • اتخاذ شیوه‌ای ثابت در مورد اصطلاحات مرکب، یکی از دشوارترین قلمروها در زمینه نمایی سازی موضوعی است. قاعده کلی آن است که اصطلاحات، حتی‌الامکان، معرف مفاهیم ساده یا منحصر بفرد باشند، و اصطلاحات مرکب به عناصر ساده تر تجزیه شوند مگر در مواردی که احتمال انحراف در درک مطلب پیش می‌آید. موضوعات پیچیده را باید با استفاده از مجموعه‌ای از اصطلاحات مجزا بیان کرد، و اصطلاحات را می‌توان بعنوان کلیدهای مستقل جستجو در نظام

پس همارا ، یا اجزاء شناسه های نمایه ای پیش همارا بکار برد . ولی باید یادآور شد که این توصیه عام نمی تواند شرایط خاصی را که در آن ، يك اصطلاح مرکب برای هدفهای نمایه سازی به عناصر خود تجزیه می شود ، یا در همان وضع مرکب باقی می ماند تصریح کند . آنچه ذیلا " پیشنهاد می شود رهنمودی است برای نمایه سازی که از واژگان کنترل شده استفاده می کنند و نیاز به معیارهایی دارند تا از ثبات عمل خود در برخورد با اصطلاحات مرکب اطمینان حاصل کنند . تصور می رود که ایجاد چنین معیارهایی گام مهمی در راه نیل به ثبات عمل ، و نتیجتا " قابلیت پیش بینی باشد . این امر ، نه تنها در درون سازمان نمایه سازی واحد ، بلکه در میان سازمانهای مختلفی که بایکدیگر کار می کنند ، نظیر اعضای يك شبکه یا پایگاه داده های مشترك ، نیز ضروری است .

۰۲/۱/۷ مفاهیم مرکب را غالبا " می توان در بیش از يك صورت ارائه داد . در فارسی ، فی المثل ، مفهوم ارائه شده توسط اصطلاح " هوشبهر " را می توان بصورت " بهره هوشی " نیز بیان کرد . راه و روشهای بررسی شده در این استاندارد به انتخاب يك شکل از میان شکلهای مختلف موجود نمی پردازد ؛ این امر را معمولا " سیاستهای يك سازمان نمایه سازی تعیین می کند . آنچه در زیر می آید اشاره به ملاکهایی برای تعیین این مطلب است که آیا باید يك اصطلاح مرکب را به همان شکل پیش هماراسته نگه داشت یا به اجزاء آن تقسیم کرد و هر جزء را بعدوان اصطلاح نمایه ای مستقلی پذیرفت .

۰۳/۱/۷ در نمایه سازی دوشیوه برای عامل بندی (یعنی تجزیه يك اصطلاح به عناصر معنایی مجزا) متداول است .

-
1. Data Base.
 2. Factoring.

الف) عامل بندی منطقی^(۱). این شیوه را می توان هم در کلمات ساده و هم در اصطلاحات مرکب بکار گرفت. اصطلاحی را که نشان دهنده مفهومی پیچیده است می توان با استفاده از عناصر ساده تر یا عناصر تشکیل دهنده تعریف آن، مجدداً "بیان کرد"؛ و هر یک از این عناصر را می توان برای بیان مفاهیم مختلف در ترکیبات دیگر بکار برد.

مانند :

دما سنج که می توان با استفاده از ترکیب سه اصطلاح بیان کرد :
دما & سنجش & ابزارها

این شیوه توصیه نمی شود. این روش را می توان تنها در نظامهای نمایه سازی پس هم را بکار برد، و کاربرد آن توسط سازمانهایی که می خواهند حجم واژگان نمایه سازی خود را محدود سازند باید منحصر به اصطلاحات قلمروهای موضوعی جنبی گردد.

ب) عامل بندی نحوی^(۲). این شیوه در باب اصطلاحات مرکبی بکار می رود که از لحاظ شکل به اجزاء جداگانه بخش پذیر باشند و هر یک از این اجزاء را بتوان مستقل^۱ بعنوان یکی از اصطلاحات نمایه ای بکار برد.

مانند :

درخت کاری که بشکل زیر بیان می شود :

درختها & گشت

اگر عامل بندی نحوی در باب اصطلاحی بکار می رود که ممکن است به همان شکل مورد مراجعه استفاده کننده قرار گیرد، باید آن را بصورت اصطلاح نامرئح^۱ در اصطلاحنامه بکار برد و به عناصر ترکیب ارجاع داد.

1. Semantic Factoring.
2. Syntactical Factoring.

مانند :

درخت کاری بك درختها & كشت

۰۴/۱/۷ برای توجیه این تصمیم که آیا يك اصطلاح را به همان صورت پیش‌هماراسته نگه داشت یا از لحاظ نحوی تجزیه کرد ، لازم است که با توجه به نقش و ارتباط متقابل بخشهای آن ، اجزاء را مشخص ساخت .
اکثر اصطلاحات مرکب را می‌توان به اجزاء زیر تجزیه کرد :
الف) . کانون (که در زبانشناسی " راس " هم خوانده می‌شود) : جزء اسمی ترکیب که رده * عامتر اشیاء یا پدیده های مورد اشاره اصطلاح را مشخص می‌سازد .

مانند :

دارو در عبارت داروی بیهوشی

بیمارستانها در عبارت بیمارستانهای کودکان

ب) . سیز (که " بیانگر " نیز خوانده می‌شود) : بخشی از اصطلاح مرکب است که به کیفیت یا تفاوتی منطقی اشاره می‌کند ، و هرگاه به " کانون " افزوده شود بار معنایی آن را محدود می‌سازد و بصورت یکی از زیررده های آن در می‌آید .
مانند :

« بیهوشی » که زیررده ای از دارو را در « داروی بیهوشی » مشخص می‌کند .

« کودکان » که زیررده ای از بیمارستانها را در « بیمارستانهای کودکان » مشخص می‌کند .

۰۵/۱/۷ بخش کوچکی از اصطلاحات نمایه سازی هستند که قابلیت اینگونه تحلیل منطقی را ندارند . در این اصطلاحات ، یکی از عناصر نقش " مییز " را برعهده دارد ؛ لیکن ، برخلاف مثالهای بالا ، زیررده ای از مفهوم کانونی را مشخص نمی‌سازد ، بلکه با عضویت در آن رده مغایر است .
فی‌المثل " گلهای مصنوعی " رده ای از چیزهایی بنام " گلها " یا

"تخم مرغهای شکلاتی" رده ای از "تخم مرغها" نیست • ایمن
ممیزها را اصطلاحاً "نامستقل" می خوانند زیرا در اینگونه موارد به تنهایی
بکار نمی روند، و اصطلاح را باید در کلیتش يك واحد معنایی تلقی کرد •

۶/۱/۷ • اینگونه عوامل را هنگام تصمیم گیری در این مورد که يك مفهوم را بصورت
يك واحد مرکب بکار ببریم یا به دو یا چند اصطلاح مجزا عامل بنسـدی
کنیم، باید در نظر گرفت • دو نوع برخورد نسبت به چنین تصمیماتی ذیلاً
مورد بررسی قرار می گیرد • معیارهایی که تعیین می کنند چه موقع بایـسد
يك اصطلاح مرکب را به همان صورت نگه داشت در بخش ۲/۷، و شرایطی
که به تحلیل نحوی يك اصطلاح می انجامد در بخش ۳/۷ بررسی خواهد
شد •

۲/۷ • اصطلاحاتی که باید بصورت مرکب حفظ شوند •

۱/۲/۷ • قاعده کلی برای حفظ اصطلاحات مرکب بعنوان اصطلاح نمایی ای در شرایط
زیر صادق است:

الف) اصطلاح مرکب، در تداول عام یا در زمینه موضوعی اصطلاحنامه، چنانـ
جا افتاده باشد که اگر بصورت عناصر مجزا بیان شود جامعیت خود را از دست
بدهد •

مانند:

داده آمایی

مدیریت مالی

ب) عامل بندی نحوی به تخییر معنی، یا ابهام بینجامد •

مانند:

غذا & گیاهان که می تواند به معنای غذا برای گیاهان یا

گیاهان بعنوان غذا تعبیر شود •

1. Syncategorematic.

۰۲/۲/۷ اصطلاحات زیر را خصوصا " باید بصورت مرکب حفظ کرد :
الف) اسمهای خاص ، و اصطلاحاتی که از اسمهای خاص ترکیب یافته باشد .

مانند :

آزمایش پاولوف

سازمان ملل متحد

ب) اصطلاحات مرکبی که معنی آنها معنای اصلی خود را در ترکیب از دست داده باشد .

مانند :

آبله مرغان

جلسات میز گرد

ج) اصطلاحاتی که معنی آنها از نوعی تشبیه به شیء یا پدیده ای ظاهرا " نامرئوس
تشکیل شده باشد .

مانند :

بمبهای خوشه ای

ساختهای درختی

د) اصطلاحاتی که آنها را نمیتوان بدون استفاده از يك " اسم " که در ترکیب
مستتر است مجددا " تعریف یا تبیین کرد .

مانند :

موتورهای بنزینی ، یعنی موتورهایی که از بنزین بعنوان سوخت
استفاده میکنند .

ه) اصطلاحاتی که دارای معنیهای " نامستقل " هستند .

مانند :

پاهای مصنوعی

ماهی های سنگواره ای

۰۳/۷ اصطلاحاتی که باید از لحاظ نحوی عامل بندی شوند .

۰۱/۲/۷ تعیین ضوابطی دقیق برای شناختن آن دسته از ترکیباتی که باید به

اجزاء جداگانه عامل بندی شده و سپس هر جزء بصورت اسم یا عبارت اسمی وارد اصطلاحنامه گردد ، کاری بس دشوار است . توصیه های زیر مبتنی بر معیارهای کلی است ؛ ولی نباید آنها را همچون احکامی تلقی کرد که در کلیه شرایط لازم الاجراست . برخی از شرایط که منجر به حفظ ساخت اصطلاحات مرکب می شود در بخش ۱/۲/۷ آمده است . عوامل زیر نیز ممکن است برای تصمیمات اثر بگذارند :

الف) نمایه سازی در زمینه ای خاص ، که ممکن است در باب اصطلاحات بگونه ای که برای استفاده کنندگان اصطلاحنامه آشنا تر باشد عمل شود .

ب) محدودیت در باب تعداد اصطلاحاتی که به مدارك تعلق می گیرد، یا حجم واژگان نمایه سازی.

در نظام پس همارا ، نمایه ساز ممکن است ناگزیر باشد یکی از شیوه های زیر را دنبال کند :

یک) استفاده از اصطلاحات مرکب بمنظور کاهش تعداد اصطلاحات تعیین شده برای هر مدارك ، اما به قیمت واژگان وسیعتر .

دو) کاهش حجم واژگان نمایه سازی از طریق عامل بندی اصطلاحات به عناصر ساده تر ، و در عوض تعیین تعداد بیشتری اصطلاح برای هر مدارك .

۲/۳/۷ . در شرایط مساوی ، توصیه های زیر ، که در زبانهای مختلف آزمایش شده است ، بعنوان ابزاری برای نیل به ثبات عمل در باب اصطلاحات مرکبی که باید از لحاظ نحوی عامل بندی شوند ، پیشنهاد می شود . همراه هر يك از این توصیه ها ، شرایط مغایری نیز آمده است که در آنها عامل بندی سبب ابهام اصطلاحات می شود .

۱/۲/۳/۷

الف) . اصطلاح مرکبی را باید عامل بندی کرد که «کانون» آن به يك ویژگی یا جزء (از جمله مواد) اشاره دارد و «میز» آن، کل یا مالک آن ویژگی یا جزء را معرفی می کند.

مثال :

در اصطلاحات :

(۱) موتورهای هواپیما

(۲) کارکنان بیمارستان

(۳) پوشیدگی خاک

— اسمهای کانونی ، یعنی :

(۱) موتورها

(۲) کارکنان

(۳) پوشیدگی

— معرف بخشها یا ویژگیها هستند ، و میزها ، یعنی :

(۱) هواپیما

(۲) بیمارستان

(۳) خاک

— معرف کلهایی هستند که برآن بخشها یا ویژگیها مالکیت دارند .

بنابراین ، اینگونه اصطلاحات را باید بصورت اسمهای جداگانه

بیان کرد . نظیر :

(۱) موتورها & هواپیماها

(۲) کارکنان & بیمارستانها

(۳) پوشیدگی & خاکها

ب) . بالعکس ، نام یک کل ممکن است توسط نام جزء یا ویژگی آن توصیف شود .

مانند :

پلهای سیمانی

کارگران ماهر

الف) اسم يك فعل متعدی نباید توسط مفعولی که فعل بر آن واقع شده توصیف گردد •
مثال :

در اصطلاحات :

(۱) مدیریت کتابخانه

(۲) چاپ پارچه

(۳) ذوب فولاد

— اسمهای کانونی :

(۱) مدیریت

(۲) چاپ

(۳) ذوب

— معرف فعلهای متعدی هستند ، و میزهای :

(۱) کتابخانه

(۲) پارچه

(۳) فولاد

— مفعول این فعلها را نشان می دهند •

بنابراین ، این اصطلاحات را باید عامل بندی کرد و بخشهای

آن را بصورت اسمهای مجزا بکاربرد :

(۱) مدیریت & کتابخانه ها

(۲) چاپ & پارچه

(۳) ذوب & فولاد

ب) بالعکس، نام يك شئ یا ماده ممکن است توسط نام عملی که بر آن انجام گرفته —
توصیف شود •

مانند :

فولاد مذاب

پارچه چایی

۰۳/۲/۳/۷

الف) اسم يك فعل لازم ، نباید توسط فاعل فعل توصیف شود .

مانند :

اصطلاحات :

(۱) مهاجرت پرندگان

(۲) رشد گیاهان

— اسمهای کانونی :

(۱) مهاجرت

(۲) رشد

— معرف فعلهای لازم هستند ، و ممیزهای :

(۱) پرندگان

(۲) گیاهان

— نشاندهنده فاعل این فعلها بشمار می روند .

بنابراین ، این اصطلاحات را باید بصورت اسمهای جداگانـــــــــه

بکار برد :

(۱) مهاجرت & پرندگان

(۲) رشد & گیاهان

ب) بالعکس ، اسم يك چیز ممکن است توسط اسم فعل لازمی که شیء به آن پرداخته

است توصیف شود .

مانند :

پرندگان مهاجر

پلهای متحرك

۴/۷ • توصیه های بخش ۳/۷ علاوه بر نقشی که برای ایجاد هماهنگی بین نمایه سازها و بین سازمانهای نمایه سازی داشته ، هدفهای زیر را دنبال کرده است:

الف) پرهیز از پیچیدگی بیش از حد در اصطلاحات نمایه سازی.
ب) نیل به اصطلاحنامه ای ساختاری و مبتنی بر اصولی که از لحاظ منطقی و آموزشی قابل توجیه باشد .

از لحاظ عملی ، این توصیه ها فرد رامطمئن می سازد که اصطلاح مرکبی نظیر "موتورهای هواپیما" ، طبق توضیح بخش ۱/۲/۳/۷ به دو جزء اسمی جداگانه ، یعنی " هواپیما " که در مقوله " وسایل حمل و نقل " قرار می گیرد ، و " موتورها " که باید در مقوله ای کاملاً مجزا — منبع اصلی نیروی جنبش — جای گیرد ، تقسیم می شود . ضمناً این توصیه ها ، اساسی برای اقدام استاندارد در باب اصطلاحات مرکبی است که دارای يك كانون و چندین معیز هستند . فی المثل ، اگر سیاست يك سازمان نمایه سازی آن است که استفاده از عبارت " موتورهای هواپیما " را علاوه بر عبارات " موتورهای جت " و " هواپیماهای نظامی " مجاز بشمارد ، نمایه ساز در برخورد با موضوع پیچیده ای چون " موتورهای جت هواپیماهای نظامی " دچار اشکال می شود . در چنین وضعی ، قواعد بالا وسیله ای است که با عامل بنسبدهی اصطلاح مرکب به اجزاء ساده تر ، اقدام به کنترل می کند . عبارت دیگر موضوع را می توان به " موتورهای جت " و " هواپیماهای نظامی " تقسیم کرد ، و هر يك را در مقوله خاص خود در اصطلاحنامه قرار داد .

۵/۷ • ترتیب کلمات در اصطلاحات مرکب

ترجیح دارد که عبارات به همان ترتیب زبان طبیعی وارد اصطلاحنامه شوند نه بصورت مقلوب .

1. inverted.

مانند :

روانشناسی کودک ، روانشناسی کودک ، روانشناسی

در صورت لزوم ، می توان شکل مقلوب عبارت را بعنوان اصطلاح نامرجح بکار برد
و از آن بترتیب زبان طبیعی ارجاع داد .

مانند :

کودک ، روانشناسی به روانشناسی کودک

۰۸ روابط اساسی در اصطلاحنامه

۰۱/۸ کلیات

۰۱/۱/۸ اصطلاحنامه باید روابط اساسی مابین اصطلاحات را دقیقاً " مشخص کند
و نشان دهد .
• طریقه نمایش این روابط در بخش ۹ خواهد آمد ؛ بخش
حاضر به تعریف و ترسیم خود روابط می پردازد .

۰۲/۱/۸ در اصطلاحنامه دو نوع رابطه ممکن است پیش آید :

الف) رابطه مابین اصطلاحات که بتفکیک در بخش ۲/۸ تا ۴/۸ خواهد آمد . در این
بخشها ملاحظه خواهد شد که رابطه سلسله مراتبی^۱ ، اصطلاحات را برحسب
معنایشان بطور مؤثری به مقوله ها ، زیر مقوله ها ، و امثال آن تقسیم می کند .
ب) در اصطلاحنامه هایی که دارای روش ارائه نظام یافته است (به بخش ۳/۹ رجوع
کنید) ، تهیه کننده اصطلاحنامه باید نه تنها اینگونه روابط را بین اصطلاحات
در نظر گیرد ؛ بلکه باید روابط مابین مقوله ها و زیر مقوله ها و نظایر آنها را نیز ،
رعایت کند . این روابط بین مقوله ای ، در بخش ۵/۸ مورد اشاره قرار خواهد
گرفت .

۰۳/۱/۸ سه نوع رابطه^۲ بین اصطلاحات را می توان در اصطلاحنامه ها مشاهده
کرد :

1. Hierarchical.

(۱)

يك (رابطه هم‌ارز (بخش ۲/۸)

دو (رابطه سلسله مراتبی (بخش ۳/۸)

(۲)

سه (رابطه همبسته (بخش ۲/۸)

زیر بخشهای هر يك از این تقسیمات بعداً" مورد اشاره قرار خواهد گرفت . اینگونه روابط دوسویه است ، و این امر باید در نظام نمادها و اختصارات بکار رفته در اصطلاحنامه منعکس شود . در مثالهایی که بعداً" خواهد آمد ، اختصارات قرار دادی مورد اشاره در بخش ۴ بکار رفته است . سایر انواع اختیاری این نمادها در پیوست آمده است .

۰۲/۸ . رابطه هم‌ارز

۰۱/۲/۸ این رابطه میان اصطلاحات مرجع و نامرجح صورت می‌گیرد (بخش ۳/۳) ، و وقتی است که دو یا چند اصطلاح ، از لحاظ هدفهای نمایه سازی ، به يك مفهوم اشاره دارند . دوسویگی با روشهای زیر نشان داده می‌شود :

بك (بکار برید) ، قبل از اصطلاح مرجح می‌آید ؛

بج (بکار برید بجای) ، پیش از اصطلاح نامرجح بکار می‌رود .
مانند :

حیوانات

بج : جانوران

جانوران بك حیوانات

این رابطه عموماً " دو گروه از اصطلاحات را در برمی‌گیرد :

الف (مترادفها

۳

ب (مترادف نامها (شبه مترادفها)

-
1. Equivalence Relationship.
 2. Associative Relationship.
 3. Quazi - synonyms.

۸/۲/۲۰ • مترادف اصطلاحاتی هستند که معنای آنها در مضامین متعدد یکسان تلقی می‌شود ، بگونه ای که می‌توانند بالقوه به جای یکدیگر به‌کار روند . این اصطلاحات ظاهراً " در زبان نمایه ای کنترل شده " ، که معانی عدا " محدود می‌گردند بیش از زبان طبیعی ظاهر می‌شوند . در عمل ، به انواع گوناگون مترادف برمی‌خوریم . سیاهه زیر گرچه جامع نیست ؛ لیکن برخی از مترادف‌های را که معمولاً " با آنها روبه رو می‌شویم نشان می‌دهد :

(الف) اصطلاحاتی که از لحاظ زبانشناسی ریشه های متفاوت دارند .

مانند :

حریق ؛ آتش‌سوزی

(ب) نامهای رایج و نامهای علمی

مانند :

جوهر لیمو ؛ اسیدسیتریک

(ج) اسمهای عام و نامهای تجاری

مانند :

بادزن برقی ؛ پنکه

(د) نامهای متفاوت برای مفاهیم نو

مانند :

جامعه ستیزی ؛ جامعه‌گریزی

(هـ) اصطلاحات جاری یا مقبول در مقابل اصطلاحات کهنه یا نامقبول

مانند :

هواپیما ؛ طیاره

(و) املاء های متفاوت از قبیل صورت‌های مختلف يك ریشه ، یا جمع‌های یقاعده .

مانند :

ارزیایی ؛ ارزشیایی

مدارسها ؛ مدارس

ز (اصطلاحاتی که از فرهنگهای متفاوت که دارای زبانی مشترک هستند اخذ شده باشد .

مانند : فلک ؛ میدان

ح (اختصارات و نامهای کامل

مانند : هما ؛ هواپیمایی ملی ایران

ط (صورت عامل بندی شده و عامل بندی نشده يك اصطلاح مرکب

مانند : استخراج & زغال ؛ استخراج زغال

در اینگونه موارد و موارد مشابه ، اصطلاحات مرجع را باید با توجه به معیارهایی که در بخش آمده است ، بنابه نیاز اکثریت استفاده کنندگان در نظر گرفت . این معیارها را ، بمنظور قابلیت پیش بینی ، باید بطور یکسان در سراسر اصطلاحنامه بکار بست . فی المثل ، اگر تصمیم بر آن است که نامهای رایج به جای نامهای علمی بعنوان اصطلاح مرجع بکار روند ، نمایه ساز باید پیوسته این تصمیم را رعایت کند مگر آنکه نام رایج مناسب وجود نداشته باشد .

۳/۲/۸ . شبه مترادفها اصطلاحاتی هستند که معنای آنها عموماً " در تداول عام متفاوت تلقی می شود ؛ ولی برای هدفهای نمایه سازی ، بعنوان مترادف بکار می روند . این اصطلاحات غالباً " نقاطی را در يك تداول نشان می دهند .

مانند : تری ؛ خشکی

میزان استفاده از شبه مترادفها تا حدود زیادی بستگی به زمینه موضوعی اصطلاحنامه دارد . فی المثل يك سازمان نمایه سازی که با " تجهیزات شستشو " سروکار دارد ، ممکن است " تری " یا " خشکی " را در باب مدارکی که به هر دو وی این مفاهیم می پردازند بکار برد ، و اینگونه توجیه کند که متخصصی که یکی از این دو ویژگی

را مورد مطالعه قرار می‌دهد ، به بازاریابی مدارك مربوط به ویژگی دیگر نیز نیاز دارد . چنین وضعی ممکن است در مورد سایر زمینه های موضوعی صادق نباشد . وجود شبه مترادف در زبان لغتیه ای که چندین رشته را در برمی گیرد ، به سهولت نامتداول است . بعنوان قاعده کلی باید گفت که شبه مترادفها تنها در زمینه های موضوعی جنبی بکار می‌روند . از آنها نباید برای کاهش تعداد اصطلاحات مرجح در زبان لغتیه ای استفاده کرد .

۴/۲/۸ . اطلاق کلیتر^(۱) به شیوه ای اطلاق می‌شود که در آن نام يك رده و نیز نام اعضای آن بعنوان مجموعه ای هم ارز تلقی می‌شوند (نظیر شبه مترادفها) و بنابراین اصطلاح اعم ، اصطلاح مرجح قرار می‌گیرد .

مانند :

سنگها

بج : بازالت

گرانیت

و غیره

بازالت يك سنگها

گرانیت يك سنگها

از این شیوه ، که گاه برای کاهش تعداد اصطلاحات زبان لغتیه ای استفاده می‌شود ، باید عموماً " پرهیز کرد " در صورت استفاده ، باید آن را تنها در سبب اصطلاحاتی بکار برد که قلمرو جنبی زمینه موضوعی اصطلاحنامه را در برمی‌گیرند .
۳/۸ . رابطه سلسله مراتبی

۱/۳/۸ . این رابطه ، اساسی است که هدف تا " اصطلاحنامه نظام یافته را از سیاهه سازمان نیافته اصطلاحات ، نظیر واژه نامه یا لغتنامه ، متمایز می‌سازد ؛ و مبتنی بر درجات یا سطوح حاکمیت^۲ و تابعیت^۳ است . در چنین موردی ،

1. Upward Posting.

3. Subordination.

2. Superordination.

اصطلاح حاکم معرفی کرده یا کل است، و حال آنکه اصطلاحات تابع اشاره به —
 اعضا یا اجزاء آن دارند. • برای ارجاعات دو سویه از اختصارات زیر استفاده می شود:
 ا.ع: (یعنی اصطلاح اعم که پیش از اصطلاح حاکم قرار می گیرد؛
 ا.خ: (یعنی اصطلاح اخص) که پیش از اصطلاح تابع قرار می گیرد.
 مانند:

خطوط هوایی
 ا.ع: خدمات حمل و نقل

خدمات حمل و نقل
 ا.خ: خطوط هوایی

۶/۳/۸ • این رابطه عموماً "سه مورد، منطقاً" متفاوت را در بر می گیرد که عبارتند از:

- الف) رابطه جنس و نوع^۱
- ب) رابطه سلسله مراتبی کل و جزء^۲
- ج) رابطه موردی^۳

هر یک از این روابط به سلسله مراتبی می انجامد که می توان آنرا از طریق ارجاع
 به انواع اساسی مفاهیم که توسط اصطلاحات بیان می شوند (آنچه در ۱/۱/۶ آمده
 است) منطقاً "آزمود". بعنوان قاعده کلی می توان گفت که هر اصطلاح تابع، باید به
 همان نوع مفهوم اساسی اشاره کند که اصطلاح حاکم اشاره دارد. • یعنی اصطلاح اعم
 و اخص باید معرفی ش^۴، عمل یا ویژگی واحد باشند.
 مانند:

یک (فلزات) رده ای از مواد، و قالب ریزی (یک عمل) معرف
 دو نوع مفهوم متفاوت هستند، و بنابراین نمی توانند از لحاظ
 سلسله مراتبی بایکدیگر مرتبط باشند.

-
- | | |
|--|---------------------------|
| 1. Generic Relationship. | 3. Instance Relationship. |
| 2. Hierarchical whole-part Relationship. | |

دو) فلزات و فلزات غیر آهن هر دو معرف مواد هستند :

بنابراین جنسا " به یکدیگر مرتبطند .

۳/۳/۸ . بمنظور سهولت در امر طرحریزی ، گاه تغییر ظاهری در نوع مفهوم برای

بخش نظام یافته اصطلاحنامه ضروری است . بنیان منطقی برای چنین

تغییری باید توسط اصطلاح راهنما بوضوح تعیین شود (به تعریف

۵/۳ رجوع کنید) در عمل دو نوع اصطلاح راهنما مورد نیاز است :

الف) آنهایی که بیان منطقی رابطه ، سلسله مراتبی را بیان می کنند . در اینجا

وضع ، اصطلاحات دوسوی اصطلاح راهنما ، به مفاهیمی از یک نوع اساسی

اشاره دارند .

مانند :

هواپیماها

از لحاظ محموله

هواپیما های باری

هواپیما های مسافری

از لحاظ استفاده کننده

هواپیما های غیر نظامی

هواپیما های نظامی

در مثالهای بالا ، " از لحاظ محموله " و " از لحاظ استفاده کننده " نقش

عبارت راهنما را برعهده دارند .

ب) عبارات راهنمایی که انواع متفاوت مفاهیمی را معرفی می کنند که می توانند برای

سهولت کار استفاده کننده یکجا و ذیل مفهوم یا مفاهیمی که معمولا " به آنها

وابسته هستند بیایند .

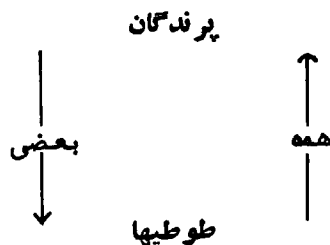
مانند :

کتابها

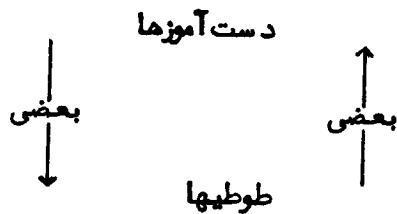
فراهم آوری

در مثال بالا ، " فراهم آوری " نقش عبارت راهنما را برعهده دارد . در اینگونه موارد ، اصطلاح اعم نظیر " کتابها " ، برای همشینی مفاهیم وابسته که توسط عبارت راهنما معرفی می شوند می آید . این اصطلاحات وابسته نظیر " صحافی " و " چاپ " و غیره نباید در بخش الفبائی اصطلاحنامه بعنوان اصطلاحات اخص نسبت به اصطلاح همشین معرفی شوند . این اصطلاحات معمولا " از طریق روابط همبسته که در بخش ۴/۸ آمده به یکدیگر پیوند می یابند .
۴/۳/۸ . رابطه جنس و نوع

این رابطه ، پیوند میان یک رده یا مقوله و اعضا یا انواع آن را مشخص می کند . علاوه بر آزمایش صحت این امر که در بخش ۲/۳/۸ مورد اشاره قرار گرفت این رابطه ، همانگونه که ذیلا " خواهد آمد ، از لحاظ آزمون منطقی " همه - و - بعضی " نیز صادق است :



نمودار بالا نشان می دهد که بعضی از اعضای رده " پرندگان " به " طوطیها " معروفند و همه " طوطیها " طبق تعریف و بدون توجه به زمینه ای خاص ، از " پرندگان " بشمار می روند . چنین آزمونی نشان می دهد که اصطلاحی چگونگی " طوطیها " تابعی از رده ای چون " دست آموزها " نیست ؛ زیرا طوطیها طبق تعریف ، دست آموز نیستند . پیوند ارتباطی اخیر را می توان به شکل نمودار زیر بیان کرد :



یعنی بعضی از اعضای رده " دست آموزها " ، " طوطیها " هستند ، و فقط بعضی از طوطیها ، دست آموزند . بنابراین ، این اصطلاحات باید در مقوله های متفاوت اصطلاحنامه قرار گیرند و هر دوی آنها باید به مدرکی که به موضوع " طوطیها بعنوان حیوانات دست آموز " می پردازد تعلق گیرند . این آزمون از آن لحاظ بعمل می آید که در تعیین اصطلاحات مقوله ها از ذهن گرایشی پرمیز شود . اما باید یادآور شد که برای تفکیک " دست آموزها " و " طوطیها " به مقوله های مختلف در یک اصطلاحنامه تخصصی که به حیوانات اهلی می پردازد و طوطیها را ، بنابه نظر اکثریت استفاده کنندگان ، نوعی حیوان دست آموز تلقی می کند اساس معقولی بدست نمی دهد . در این مورد ، " طوطیها " را می توان تابعی از " دست آموزها " و در سلسله مراتبی واحد بشمار آورد . ولی باید به یاد داشت که این موردی استثنائی است .

۸/۳/۴۰۲ در صورت لزوم ، رابطه نوع و جنس را می توان با اختصارات زیر یا معادل

آنها در زبانهای دیگر نشان داد :

ا.ع.ج = اصطلاح اعم (جنس و نوع)

ا.خ.ج = اصطلاح اخص (جنس و نوع)

مانند : موشها

ا.ع.ج . جوندگان

جوندگان

ا.خ.ج . موشها

۰۵/۳/۸ . رابطه سلسله مراتبی کل و جزء

۰۱/۵/۳/۸ . این رابطه شامل موارد معدودی است که در آن ، جزء نام کل خود را بطور ضمنی دربردارد . در این موارد ، اصطلاحات را می توان در يك نظام سلسله مراتبی قرار داد بطوری که " کل " نقشش اصطلاح حاکم و " جزء " نقش اصطلاح تابع را برعهده داشته باشد . این رابطه چهار گروه اصلی اصطلاحات را در بر می گیرد :

الف) . دستگاهها و اعضای بدن

مانند :

دستگاه گردش خون
سیستم قلبی عروقی
سیستم عروقی
سرخرگها
سیاهرگها

ب) . مناطق جغرافیایی

مانند :

ایران
خراسان
سبزوار
نیشابور

ج) . رشته های علمی

مانند :

علوم
زیست شناسی
گیاهشناسی
جانورشناسی

(د) . ساخت سلسله مراتبی اجتماعی

مانند :

ارتش
سپاه
لشکر
تیپ
هنگ

۰۲/۵/۳/۸ در مواردی نظیر "الف" تا "د" ، سلسله مراتب مبتنی بر رابطه کل و جزء شناخته شده ای است که معمولا "می توان به مراجع به منابع مرجع استاندارد نظیر واژه نامه ها و فرهنگهای جغرافیایی برقرار ساخت" رابطه " سلسله مراتبی سایر اصطلاحات را می توان با مراجع به اصطلاحنامه های که به موضوع خاصی محدود هستند باز یافت" فی المثل در اصطلاحنامه ای که به " مهندسی توربینها " اختصاص دارد ، ممکن است سلسله مراتب زیر را بیاوریم :

توربینها
کمپرسورها
تیغه ها

اما چنین عملی را در اصطلاحنامه های خارج از حوزه تخصصی ، که کل در نام جزء مستتر است ، نباید انجام داد . مثلا " در یک اصطلاحنامه " عمومی ، اصطلاحی چون " تیغه ها " ممکن است در مضامین متفاوت فراوانی بکار رود ، در اینگونه موارد ، کل و جزء (های) آن باید در مقوله های متفاوت اصطلاحنامه قرار گیرد و هر دو اصطلاح به مدركی که به این مفاهیم می پردازد تعلق گیرد .
۰۳/۵/۳/۸ در صورت لزوم ، رابطه سلسله مراتبی کل و جزء را می توان اختصاصا " با اختصارات زیر یا معادل آنها در سایر زبانها نشان داد :

ا.ع.ك = اصطلاح اعم (كل و جزء)^۱
 ا.خ.ك = اصطلاح اخص (كل و جزء)
 مانند :

سیستم قلبی عروقی
 ا.ع.ك : دستگاه گردش خون
 دستگاه گردش خون
 ا.خ.ك : سیستم قلبی عروقی

۶/۳/۸ • رابطه موردی

۱/۶/۳/۸ • این رابطه پیوند میان مقوله ای عام از اشیاء یا پدیده ها را که بایك اسم عام بیان می شود ، و موردی از آن مقوله را نشان می دهد .
 بنابراین ، " مورد " تشکیل یك رده تك عضوی را می دهد كه با اسم خاص بیان می شود :
 مانند :

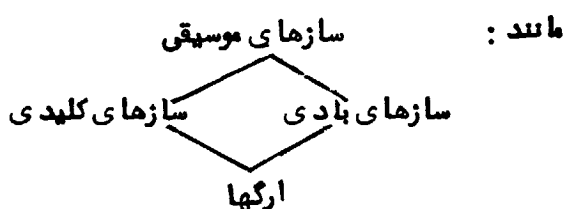
مناطق کوهستانی — رده
 { آلپ
 — مورد ها { هیمالیا

در مثال بالا " آلپ " و " هیمالیا " در سلسله مراتب ، در موضع تبعی جای گرفته اند و حال آنکه نه از انواع کوهستان بشمار می روند و نه از اجزاء آن ؛ بلکه مثالها یا مواردی خاص هستند .

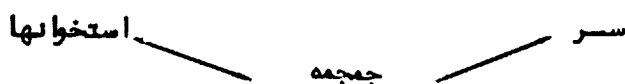
۲/۶/۳/۸ • هما نگونه كه گذشت ، اسمهای خاص غالبا " از اصطلاحنامه حذف می شوند . به دلیل اینکه اگر وارد اصطلاحنامه شوند حجم مقوله های اصطلاحنامه را بیش از حد افزایش می دهند . اگر این اصطلاحات از اصطلاحنامه حذف شده باشند ، باید در باب مدرکی كه به یكی از این

1. Partitive.

موارد می‌پردازد ، هم نام آن مورد و هم اصطلاح اعم آن داده شود .
 ۷/۳/۸ • روابط چند سلسله مراتبی^(۱) • بعضی مظاهریم منطقاً " می‌توانند در آن واحد
 به بیش از يك مقوله تعلق داشته باشند • در باب اینگونه مظاهریم می‌گویند
 دارای روابط چند سلسله مراتبی هستند •



در مثال بالا ، اصطلاح " ارگها " بر اساس رابطه عام و خاص نسبت به دو
 اصطلاح اعم ، در موضع تبعی قرار دارد • در سایر موارد ، پیوندهای چند سلسله
 مراتبی ممکن است مبتنی بر روابطی باشند که منطقاً " متفاوتند •
 مانند :



در مثال بالا ، پیوند مابین " استخوانها " و "مجموعه " مبتنی بر رابطه
 جنس و نوع است (مجموعه نوعی استخوان محسوب می‌شود) ، و حال آنکه پیوند
 میان " سر " و "مجموعه " مبتنی بر رابطه سلسله مراتبی کل و جزء است (مجموعه
 جزئی از سر است) •
 ۴/۸ • رابطه همبسته

۱/۴/۸ • کلیات • این رابطه از لحاظ تعریف و بیان ویژگیهای مثبت ، سه
 منفی ، دشوارترین نوع روابط اساسی است • رابطه همبسته رابطهای
 است میان دو اصطلاح که نه اعضای يك مجموعه معادل هستند و نه می‌توان

1. Polyhierarchical relationships.

آنها را در سلسله مراتبی قرار داد که یکی تابع دیگری باشد ، در عین حال چنان دهنه " بایکدیگر همبستگی دارند که باید پیوند آنها در اصطلاحنامه منعکس شود . توجه چنین پیوندی این است که بدینوسیله اصطلاحات جانشین را که ممکن است در نطایه سازی یا بازیابی مورد استفاده قرار گیرند نشان می دهد . این رابطه دوسویه است ، و بواسطه علامت اختصاری " ۱۰ و " (اصطلاح وابسته) ، یا معادل آن در زبانهای دیگر نشان داده می شود .

مانند :

پرندگان

۱۰ و : پرنده شناسی

پرنده شناسی

۱۰ و : پرندگان

بسیار اهمیت دارد که کنترل شدیدی در مورد انتخاب اصطلاحاتی که بدینگونه بایکدیگر پیوند می یابند بعمل آید تا از قضاوتهای ذهنی پرهیز شود . بعنوان قاعده کلی می توان گفت که براساس روال مشترك استفاده کنندگان از نطایه ، هرگاه یکی از اصطلاحات بعنوان اصطلاح نطایه ای گزیده شد ، اصطلاح دیگر باید قویا " از آن مستفاد شود . عبارت روشفتر ، معمولا " هر يك از دو اصطلاح ، جز لازم هرگونه تبیین و تعریف از دیگری است . همانطور که فی المثل اصطلاح " پرندگان " جز ضروری تبیین " پرنده شناسی " است .

دو نوع اصطلاح از طریق رابطه همبسته به یکدیگر پیوند می یابند :

الف) آنهایی که به يك مقوله تعلق دارند .

ب) آنهایی که متعلق به مقوله های متفاوتند .

ذیلا " هر يك جداگانه مورد اشاره قرار خواهد گرفت .

۸/۴/۲۰۱ • منظور اصطلاحات " هم نیا " است که بایکدیگر تداخل معنی دارند؛ مانند " کشتیها " و " قایقها " که هر یک تعریفی دقیق و ویژه دارند (و در نتیجه مجموعه ای معادل تشکیل نمی دهند) ولی با وجود این ، گاه بجای یکدیگر بکار می روند . بطوریکه استفاده کننده ای که در جستجوی مدارکی به یکی از آنها رجوع می کند ، دیگری نیز باید بخاطرش آورده شود . ضرورتی ندارد که این پیوند در بخش نظام یافته ، که روابط سلسله مراتبی را منعکس می سازد ، صراحتاً " منعکس گردد (بخش ۹/۳) ، زیرا این نوع نمایش ، خود به خود اینگونه اصطلاحات را کنار هم قرار می دهد . اما این پیوند باید در بخش الفبایی اصطلاحنامه ، و در قسمت الفبایی اصطلاحنامه های نظام یافته ، بیاید .

مانند :

قایقها

اع : وسایل نقلیه

او : کشتیها

کشتیها

اع : وسایل نقلیه

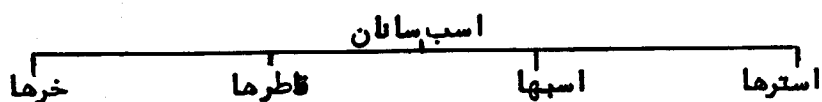
او : قایقها

۸/۴/۲۰۲ • لازم نیست که کلیه اصطلاحات هم نیا بدینگونه بایکدیگر پیوند یابند . فیالمثل ، ضرورتی ندارد که اصطلاحاتی چون " اسبها " و " خرها " را با این توجیه که دارای اصطلاح اعم مشترك " اسب سانان " هستند بایکدیگر همبسته ساخت ؛ زیرا معنای این دو اصطلاح در این مورد

1. Sibling.

خاص دارای تداخل نیست.

۰۳/۲/۴/۸ مفاهیمی را که از طریق روابط شجره ای یا اشتقاقی (که یکی از دیگری مشتق شده باشد) بایکدیگر پیوند می یابند نیز می توان متعلق به این گروه دانست. این امر در مورد اصطلاحاتی چون "قاطر" و "استر"، نام دو نوع حیوان دورگه ای که در اثر آمیزش اسب و خر حاصل می شوند، صادق است. روابط مابین این مفاهیم را می توان به استفاده از نمودار درختی نشان داد:



روابط متقابل مابین این اصطلاحات را می توان در بخش الفبایی اصطلاحنامه به شکل زیر برقرار ساخت:

اسبها	اسب سانان
ا.ع: اسب سانان	ا.خ: اسبها
ا.و: استرها	ا.خ: استرها
ا.و: قاطرها	ا.خ: خرها
	ا.خ: قاطرها
خرها	استرها
ا.ع: اسب سانان	ا.ع: اسب سانان
ا.و: استرها	ا.و: اسبها
ا.و: قاطرها	ا.و: خرها
	ا.و: قاطرها

فاطرها

۱۰ع: اسب سانان

۱۰و: اسبها

۱۰و: استرها

۱۰و: خرها

۸/۴/۳۰ اصطلاحاتی که متعلق به مقوله های متفاوتند

برای همبسته ساختن مفاهیمی که متعلق به مقوله های متفاوت هستند مبناهای فراوانی وجود دارد. منظور مقولاتی است که به انواع متفاوت مفاهیم اشاره دارند؛ ولی در عین حال، حضور یکی، دیگری را نیز تداعی می کند. گروههای زیر تنها نمونه هایی از موارد خاص هستند که ممکن است در عمل پیش آیند:

الف). رشته یا زمینه بررسی و اشیاء یا پدیده های مورد بررسی. مانند:

يك (جنگلداری

۱۰و: جنگلها

جنگلها

۱۰و: جنگلداری

دو (زیبایی شناسی

۱۰و: زیبایی

زیبایی

۱۰و: زیبایی شناسی

ب). عمل یا جریان و عامل یا ابزار آن. مانند:

يك (کنترل دما

۱۰و: ترموستات

ترموستات

۱۰و: کنترل دما

دو) داده آمایی
۱. و : نظامهای کامپیوتری

نظامهای کامپیوتری
۱. و : داده آمایی

ج) . عمل و محصول آن .
مانند:

يك) نساجی
۱. و : پارچه

پارچه
۱. و : نساجی

دو) بنّایی
۱. و : ساختمانها

ساختمانها
۱. و : بنّایی

د) . عمل و مفعول آن .
مانند:

يك) خرمن چینی
۱. و : غلات

غلات
۱. و : خرمن چینی

دو) تدریس
۱. و : دانش آموزان

دانش آموزان
۱. و : تدریس

ه) . مفاهیم در رابطه با ویژگیهایشان .

مانند:

يك) زهرها

و.ا: مسمومیت

مسمومیت

و.ا: زهرها

دو) احساس

و.ا: حساسیت

حساسیت

و.ا: احساس

و) . مفاهیم در رابطه با ریشه هایشان .

مانند:

يك) آلمانیهها

و.ا: آلمان

آلمان

و.ا: آلمانیهها

ز) . مفاهیمی که وابستگی علی دارند .

مانند:

يك) سوگواری

و.ا: مرگ

مرگ

و.ا: سوگواری

دو) بیماریها

۱. و: میکروپها

میکروپها

۱. و: بیمارپها

ح). شیء و عامل مخالف آن.

مانند:

يك) گیاهان

۱. و: آفات گیاهی

آفات گیاهی

۱. و: گیاهان

دو) هواپیماها

۱. و: ضد هواپیما

ضد هواپیما

۱. و: هواپیماها

ط). عبارات نامستقل و اسمهای مندرج در آنها.

مانند:

يك) مدل کشتیها

۱. و: کشتیها

کشتیها

۱. و: مدل کشتیها

دو) فیل خزندگان

۱. و: خزندگان

خزندگان

۰۵/۸. روابط بین مقوله‌ای

۰۱/۵/۸ زمانی که اصطلاحات بطور نظام یافته به مقوله‌های مختلف تقسیم می‌شوند، تهیه‌کننده اصطلاحنامه باید نه تنها روابط میان اصطلاحات را که در بخشهای ۲/۸ تا ۴/۸ به آنها اشاره رفت رعایت کند؛ بلکه باید روابط مابین خود مقوله‌ها را نیز در نظر گیرد. در واقع ضرورت دارد که یک ساخت فراگیر یا رده بندی کلان برای کل اصطلاحنامه برقرار شود تا مسلم گردد که برای سهولت کار استفاده کننده، مفاهیم مشابه کنار هم قرار گرفته‌اند و مفاهیم نامرتبط از یکدیگر جدا شده‌اند. دو شیوه کلی را می‌توان برای سازماندهی اصطلاحنامه نظام یافته بکار گرفت:

الف) سازماندهی مقدماتی در قالب زمینه‌ها یا رشته‌های علمی

ب) سازماندهی مقدماتی براساس چهریزه‌ها

این دو شیوه عمل ذیلاً "بطور جداگانه بررسی می‌شود. همانطور که مشاهده خواهد شد هر یک از این دو شیوه نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند. در عمل، این شیوه‌ها اغلب توأماً بکار می‌روند. یعنی اصطلاحنامه ممکن است مقدماً "به زمینه‌ها تقسیم شود و سپس از چهریزه‌ها بعنوان اساس سازماندهی مفاهیم در داخل هر زمینه، استفاده کند."

۰۲/۵/۸ سازماندهی در قالب زمینه‌ها. این شیوه اساساً "شبهه‌کاری است که توسط تدوین کننده یک رده بندی کتابخانه صورت می‌گیرد که به سازماندهی قلمرو موضوعات در رده‌ها و رشته‌های اصلی آغاز می‌شود. در مورد اصطلاحنامه، نخست مقوله‌های مفاهیم تعیین می‌گردد تا زمینه‌های مختلف مورد علاقه استفاده کنندگان منعکس شود. البته این شیوه برای اصطلاحنامه‌هایی که رشته‌های مختلف را در برمی‌گیرند بکار

1. Macro-classification.

بدین ترتیب مسلم می‌گردد اصطلاحاتی که معمولا "وابسته به زمینه خاصی ، نظیر " هنر " ، هستند کنار یکدیگر قرار می‌گیرند ، و دقیقاً " از اصطلاحات زمینه‌های چون " اقتصاد " و " فیزیک " جدا می‌شوند . این شیوه را در باب اصطلاحنامه‌هایی که ظاهراً " به زمینه واحدی می‌پردازند نیز می‌توان بکار گرفت . اصطلاحنامه‌ای که فی‌المثل به " پزشکی " اختصاص دارد ، و مقدمات " به زیر زمینه‌هایی چون " جراحات " ، " بیماریها " ، " معالجات " و غیره تقسیم شده است ، ممکن است اصطلاحات رشته‌های دیگری چون " مدیریت " ، " حقوق " و " داده‌آمایی " را نیز در برگیرد .

هرچند این شیوه سبب می‌شود که مفاهیم به گروه‌هایی تقسیم شوند که با طرق اندیشیدن استفاده‌کنندگان از اصطلاحنامه ارتباط دارد ؛ ولی دارای نقاط ضعف بالقوه‌ای نیز هست . یک مفهوم خاص ممکن است ، بسته به شیوه دسته‌بندی زمینه‌های گوناگون در اصطلاحنامه‌های مختلف ، به مقوله‌های متفاوت تعلق گیرد . این امر ممکن است هنگام مبادله اطلاعات مابین مراکز دکومانتاسیون اشکالاتی پدید آورد . ضمناً " ممکن است هنگام تغییر مرزهای زمینه‌های موضوعی ، یا ظهور رشته‌های جدید ، تجدید نظرهای وسیعی ضرورت یابد .

۳/۵/۸ . سازماندهی بر اساس چهریزها . مفهوم چهریزه به مراتب مجردتر از مفهوم زمینه است ، و سازماندهی چهریزه‌ها به انضباط ذهنی دقیقتری از سوی تدوین‌کننده اصطلاحنامه نیاز دارد . در این شیوه ، اصطلاحات بر حسب انواع اساسی مفاهیمی که معرفی می‌کنند ، و بدون توجه به زمینه یا زمینه‌هایی که مفهوم معمولا " به آن وابسته است " به رده‌ها یا مجموعه‌ها تقسیم می‌شوند . بدین منظور مفاهیم باید عموماً " سطحی‌خاسته نسبت به رده‌های کلی مفاهیم سیاهه شده در بخش ۱/۱/۶ از یکدیگر

مجزا گردند • فی المثل اشیا ذاتی^۱ ممکن است به دو مقوله اصلی
 " اشیا طبیعی " و " اشیا مصنوعی " تقسیم شوند • نوع اخیر خود ممکن
 است بر حسب زمینه موضوعی بگونه هایی چون " تولیدات " و " ابزار "
 و غیره تقسیم شود • کنشها غالبا " خود به زیر بخشهایی چون " عملیات "
 (فعل متعدی که نسبت به اشیا صورت می گیرد) و " فرایندها "^۲ (عموما "
 کنشهای لازمی که درون شیء رخ می دهد) تقسیم می شود •
 سازماندهی اصطلاحات به چهریزه ها مزایایی در بردارد :

الف) اگر زمینه موضوعی يك مفهوم تغییر یابد ، نیاز چندانی به تجدید نظر کلی نیست •

ب) توافق بیشتری بین مراکز دکومانتاسیون پدید خواهد آمد •
 اما باید به نقاط ضعف زیر نیز اشاره داشت :

الف) استفاده از چهریزه ها ، مفاهیمی را که معمولا " وابسته به رشته ای خاص
 هستند پراکنده می سازد •

ب) اساس سازماندهی اصطلاحنامه عموما " برای نمایه ساز و استفاده کننده بخوبی
 روشن نیست •

۹. نمایش اصطلاحات و روابط آنها

۱/۹. کلیات

۱/۱/۹ • اصطلاحات و روابط متقابل آنها را در اصطلاحنامه می توان بگونه های
 مختلف نشان داد • این متن برآن نیست که کلیه صورتهای مختلف نمایش
 اصطلاحات را بررسی کند ؛ بلکه تنها به توصیف سه روش اساسی معمول
 می پردازد :

-
1. Concrete Things.
 2. Operations.
 3. Process.

الف) . نمایش الفبایی ، همراه با یادداشت دامنه و روابط ما بین اصطلاحات ؛

ب) . نمایش نظام یافته ، که با نمایه ای الفبایی تکمیل می شود ؛

ج) . نمایش ترسیمی^(۱) ، همراه با بخش الفبایی .

اصطلاحنامه های موجود معمولاً " به یکی از این سه نوع اساسی تعلق دارند . البته ممکن است يك اصطلاحنامه خصوصیات بیش از یکی از انواع فوق را دارا باشد . فی المثل ، اصطلاحنامه ای که بخش اصلی آن از شیوه نظام یافته پیروی می کند ، ممکن است توسط نمایه ای الفبایی تکمیل شود که در آن ، بخش نسبتاً " عده ای از روابط ما بین اصطلاحات منعکس گردد .

۲/۱/۹ . این انواع اساسی ذیلاً " بترتیب توضیح داده خواهند شد و هر يك با استفاده از تنظیم نمونه ای از مجموعه اصطلاحات متداول مربوط به " دومین ها " ترسیم خواهد گردید . کوشش بر آن نبوده است که کلیه اصطلاحات مربوط گردآوری و تنظیم شود . اصطلاحات در درجه اول برای نشان دادن ویژگیهای اصطلاحنامه که در فصول پیشین مورد اشاره قرار گرفته از قبیل یادداشت های دامنه ، مترادفها ، اصطلاحات اعم و اخس ، و غیره بوده است .

۲/۹ . نمایش الفبایی

۱/۲/۹ . در این نوع اصطلاحنامه کلیه اصطلاحات نمایه ای ، خواه مرجح باشند یا نامرجح ، در ردیف الفبایی واحدی قرار می گیرند . اصطلاحات نامرجح معمولاً " فقط ارجاع به معادل مرجح خود را به همراه دارند ———— . اطلاعات فرعی که همراه اصطلاح مرجح می آیند بترتیب عبارتند از :

۱ . یادداشت دامنه یا تعریف

۲ . بچ ارجاع به اصطلاح معادل نامرجح

۳ . " " " اصطلاح را " " " در صورت لزوم

1. Graphic Display.

۱۰۴. ع ارجاع به اصطلاح اعم

۱۰۵. خ " " اصطلاح اخص

۱۰۶. د " " اصطلاح وابسته

۰۲/۲/۹ نمونه ای از این نوع نمایش در تصویر (۱) آمده است. این شایسته
ساده ترین نوع اصطلاحنامه برای تدوین باشد؛ ولی باید به خاطر
داشت که استفاده کننده يك اصطلاحنامه الفبایی نمی تواند کلیه
اصطلاحات اعم و اخص را که تشکیل يك سلسله مراتب می دهند، در يك
جایباید. اطلاعات دیگری درباره روابط اصطلاحات را می توان به
نمایش الفبایی افزود تا، فی المثل، اصطلاح را در يك سلسله مراتب
را که مفهوم مورد نظر بدان تعلق دارد (با استفاده از علامت اختصاری
۱۰۱) نشان دهد.

طاند:

دوربینهای زیرآبی

۱۰۱. ر : تجهیزات بصری

۱۰۲. ع : دوربینها

۱۰۳. خ : دوربینهای زیرآبی سینمائی

۱۰۴. و : غواصی

۰۳/۲/۹ هرگاه اصطلاحی متعلق به سلسله مراتبی طولی و پیچیده باشد ممکن
است لازم شود به بیش از يك سطح از تابعیت و یا حاکمیت اشاره شود.
در این وضع از اختصاراتی نظیر آنچه ذیلا" می آید استفاده می کنند:

۱۰۱. ع ۱ = اصطلاح اعم درجه اول (يك مرتبه بالاتراز) حاکمیت؛

۱۰۲. ع ۲ = اصطلاح اعم درجه دوم (دو مرتبه بالاتراز) حاکمیت؛

۱۰۳. خ ۱ = اصطلاح اخص درجه اول (يك مرتبه پایینتر از) تابعیت؛

۱۰۴. خ ۲ = اصطلاح اخص درجه دوم (دو مرتبه پایینتر از) تابعیت.

تصویر ۱ : نمایش الفبایی

دوربینهای انعکاسی دو عدسی
اع : دوربینهای انعکاسی

تجهیزات بصری

ا ۰ خ : دوربینها

میکروسکوپها

دوربینهای تلویزیونی

ی ۰ د : دوربینهای مخصوص پخش و

تلویزیون

ضبط نوار ویدئو

ا ۰ و : دوربینهای تلویزیونی

اع : دوربینهای فیلمبرداری

او : تلویزیون

دوربینها

اع : تجهیزات بصری

دوربینهای خشکی بك دوربینهای منظری

اخ : دوربینهای استریو

دوربینهای زیرآبی

دوربینهای زیرآبی

دوربینهای عکاسی

اع : دوربینها

دوربینهای فیلمبرداری

اخ : دوربینهای زیرآبی سینمایی

او : عکاسی

او : غواصی

دوربینهای استریو

دوربینهای سینمایی

اع : دوربینها

اع : دوربینهای فیلمبرداری

دوربینهای انعکاسی

اخ : دوربینهای سینمایی زیرآبی

او : سینما

اع : دوربینهای عکاسی

اخ : دوربینهای انعکاسی
بك عدسی

دوربینهای سینمایی زیرآبی

دوربینهای انعکاسی
دو عدسی

تصویر ۱ : نمایش الفبایی (دنباله)

دوربینهای انعکاسی تک عدسی	اع : دوربینهای زیرآبی
اع : دوربینهای انعکاسی	دوربینهای سینمایی
دوربینهای سی و پنج میلیمتری	سینما
اع : دوربینهای کوچک	او : دوربینهای سینمایی
دوربینهای عکاسی	عکاسی
اع : دوربینها	او : دوربینها
اخ : دوربینهای انعکاسی	غواصی
دوربینهای عکس فوری	او : دوربینهای زیرآبی
دوربینهای کوچک	
دوربینهای منظری	میکروسکوپها
دوربینهای عکس فوری	اع : تجهیزات بصری
ی : د : دوربینهایی که	
مستقیماً " عکس چاپ	
شده را تحویل می دهند	
اع : دوربینهای عکاسی	
دوربینهای فیلمبرداری	
اع : دوربینها	
اخ : دوربینهای تلویزیونی	
دوربینهای سینمایی	

تصویر ۱ : نمایش الفبایی (دنباله)

دوربینهای کوچک

اع : دوربینهای عکاسی

اخ : دوربینهای ۳۵ میلیمتری

دوربینهای منظری

ی^۰د : دوربینهایی که از طریق

حرکت عدسیها تنظیم

می شود .

بج : دوربینهای خشکی

اع : دوربینهای عکاسی

۳/۹ . نمایش نظام یافته

۱/۳/۹ اصطلاحنامه ای که اصطلاحات آن بطور نظام یافته سازماندهی شده باشد

از دو بخش تشکیل می شود :

الف) مقوله ها یا سلسله مراتب اصطلاحات که برحسب معانی و روابط متقابل منطقی

مابین آنها تنظیم می شود .

ب) نمایه الفبایی که استفاده کننده را به بخش (های) مورد نظر در قسمت نظام یافته

هدایت می کند .

پیوند میان این دو بخش با استفاده از نشانیهای صورت می گیرد . نشانی بی به

هریک از اصطلاحات مرجع بخش نظام یافته تعلق می گیرد ، و این نشانی در بخش

الفبایی نقش ارجاع را برعهده دارد . این نشانیها باید ارزش مشخصی در تنظیم

داشته باشند . ممکن است از شماره مسلسل استفاده شود (نظیر تصویرهای

۲ الف و ۲ ب) و یا نظام نشانه گذاری سلسله مراتبی مورد استفاده قرار گیرد .

۰۲/۳/۹ در اینگونه نمایش، بخش نظام یافته غالباً "بخش اصلی اصطلاحنامه را تشکیل می‌دهد". یعنی بخشی است که بیشترین اطلاعات درباره تعاریف و روابط اصطلاحات را در بردارد و نمایه‌الفبایی نقش متمم‌ولی ثانوی را برعهده دارد. اما، این امری تغییرناپذیر نیست. اصطلاحنامه‌ها در دادن اهمیت به هر یک از این دو بخش و نقش آنها و حتی در تنظیم و نوع اطلاعات هر بخش، بسیار متفاوتند. گاه اصطلاحات بخش‌الفبایی با چنان میزانی از اطلاعات ربطی و غیره همراه است که دو بخش را می‌توان مقام برابر داد.

۰۳/۳/۹ دو طرح نمونه در تصویر ۲ الف (بخش نظام یافته) و ۲ ب (نمایه‌الفبایی) آمده است.

به نکات زیر باید توجه داشت:

الف) بخش نظام یافته (تصویر ۲ الف) یادداشتهای دامنه و ارجاع به اصطلاحات معادل و همبسته را در برمی‌گیرد. ارجاع صریح به اصطلاحات اعم و اخص برای هر اصطلاح ذکر نمی‌شود، زیرا این روابط از طریق موضع هر اصطلاح در سلسله مراتب آن و میزان تورفتگی در ردیفها بخوبی نشان داده می‌شود. موارد زیر را نیز باید مورد توجه قرار داد:

یک) اصطلاحات همبسته دارای نشانیهای است که، موضع آنها را در سلسله مراتب دیگر نشان می‌دهد؛

دو) عبارت راهنما (نظیر «از لحاظ رسانه») گهگاه برای تعیین اساس مقوله بندی بکار می‌رود. (به توضیح عبارات راهنما در بخش ۳/۳/۸ رجوع کنید)

ب) بخش‌الفبایی (تصویر ۲ ب) نیز دارای یادداشت دامنه و ارجاعات دو سویه به اصطلاحات مترادف و همبسته است. این بخش، در نمونه ارائه شده، دارای ارجاع صریح به اصطلاحات اعم و اخص نیست؛ اما امکان تعیین روابط سلسله مراتبی در بخش‌الفبایی وجود دارد.

تصویر ۲ الف : نمایش نظام یافته

تجهیزات بصری	۳۰۱
دوربینها	۳۰۲
او: عکاسی ۸۲۴	
دوربینهای فیلمبرداری	۳۰۳
از لحاظ رسانه	
دوربینهای سینمایی	۳۰۴
او: سینما ۸۹۵	
دوربینهای سینمایی زیرآبی	۳۰۵
دوربینهای تلویزیونی	۳۰۶
او: تلویزیون ۸۹۷	
دوربینهای استریو	۳۰۷
دوربینهای عکاسی	۳۰۸
دوربینهای عکس فوری	۳۰۹
ی ^۰ د : دوربینهایی که مستقیماً " عکس چاپ شده را تحویل می دهند •	
دوربینهای کوچک	۳۱۰
دوربینهای ۳۵ میلیمتری	۳۱۱
دوربینهای انعکاسی	۳۱۲
دوربینهای انعکاسی تک عدسی	۳۱۳
دوربینهای انعکاسی دو عدسی	۳۱۴
دوربینهای منظری	۳۱۵
ی ^۰ د : دوربینهایی که از طریق حرکت عدسیها تنظیم می شوند •	

تصویر ۲ الف : نمایش نظام یافته (دنباله)

بج : دوربینهای خشکی	
دوربینهای زیرآبی	۳۱۶
او : غواصی ۹۳۱	
دوربینهای سینمای زیرآبی	۳۱۷
میکروسکوپیها	۳۱۸

تصویر ۲ ب : نمایه الفبایی (مکمل نمایش نظام یافته)

تجهیزات بصری ۳۰۱	
تلویزیون ۸۹۷	
او : دوربینهای تلویزیونی ۳۰۶	
دوربینها ۳۰۲	
لو : عکاسی ۸۲۴	
دوربینهای استریو ۳۰۷	
دوربینهای انعکاسی ۳۱۲	
دوربینهای انعکاسی تک عدسی ۳۱۳	
دوربینهای انعکاسی دو عدسی ۳۱۴	
دوربینهای تلویزیونی ۳۰۶	
او : تلویزیون ۸۹۷	
دوربینهای خشکی بك دوربینهای منظری ۳۱۵	
دوربینهای زیرآبی ۳۱۶	

تصویر ۲ ب : نمایه الفبایی (مکمل نمایش نظام یافته) (دنباله)

او : فواصل ۹۳۱

دوربینهای سینمایی ۳۰۴

او : سینما ۸۹۵

دوربینهای سینمایی زیرآبی ۳۰۵ : ۳۱۲

دوربینهای ۳۵ میلیمتری ۳۱۱

دوربینهای عکاسی ۳۰۸

دوربینهای عکس فوری ۳۰۹

ی. د : دوربینهای که مستقیماً " عکس

چاپ شده را تحویل می دهند.

دوربینهای فیلمبرداری ۳۰۳

دوربینهای کوچک ۳۱۰

دوربینهای منظری ۳۱۵

ی. د : دوربینهایی که از طریق حرکت

عدسیها تنظیم می شوند

بج : دوربینهای خشکی

سینما ۸۹۵

او : دوربینهای سینمایی ۳۰۴

عکاسی ۸۲۴

او : دوربینهای ۳۰۲

فواصل ۹۳۱

او : دوربینهای زیرآبی ۳۱۶

میکروسکوپیها ۳۱۸

۴/۳/۹ • روش معمول در برخورد با روابط چند سلسله مراتبی در تصویر ۲ الف و ب نشان داده شده است. اصطلاح "دوربینهای سینمایی زیرآبی" عضو دو مقوله "دوربینهای سینمایی" و "دوربینهای زیرآبی" است. این اصطلاح در دو موضع از بخش نظام یافته قرار می گیرد و بنابراین در نمایه الفبایی بادو نشانی همراه است.

۴/۹ • نمایش ترسیمی

۱/۴/۹ • در این نوع نمایش، اصطلاحات نمایه ای و روابط متقابل آنها بشکلی تصاویر دو بعدی منعکس می شوند بطوری که نمایه ساز یا استفاده کننده می تواند اصطلاحات مرتبط را پیگیری کند. انواع گوناگون نمایش ترسیمی را در اصطلاحنامه های منتشر شده می توان یافت؛ اما دو نوع اصلی آنها بشرح زیرند:

الف). ترسیم درختی

ب). ترسیم پیکانی^(۱)

۲/۴/۹ • اصطلاحنامه ای که از نمایش ترسیمی استفاده می کند باید دارای دو بخش باشد:

الف) نمایش ترسیمی. این نمایش معمولاً "فقط به اصطلاحات مرحله اختصاص دارد؛ زیرا با یادداشت دامنه، مترادفها، و غیره سازگار نیست. نمایش اصلی توسط یک نماد، از قبیل شماره مسلسل یا هصری از نشانه گذاری سلسله مراتبی مشخص می گردد. گرچه موضع هر اصطلاح را می توان با استفاده از نظامی شبکه ای - که مورد اشاره قرار خواهد گرفت - نشان داد؛ لیکن برای یکایک اصطلاحات نیازی به استفاده از نماد نیست. نمادهای مشخص کننده که در نمایشها بکار می روند، در نمایه الفبایی نقش نشانی را برعهده دارند.

1. Arrowgraph.

ب) نمایه القایی. این نمایه شامل کلیه یادداشتهای دامنه و ارجاعات مابین اصطلاحات مرجع و نامرجح است، و می‌تواند ارجاعات ام و اخص و همبسته را نیز دربرگیرد. نمایه‌هایی که بعنوان مثال (در تصویرهای ۳ ب) (۴ ب) بکار رفته است از لحاظ میزان ارجاعات ام و اخص با یکدیگر متفاوتند:

بک) نمایه متعلق به ترسیم درختی (تصویر ۳ ب) روابط سلسله مراتبی را منعکس نمی‌سازد؛

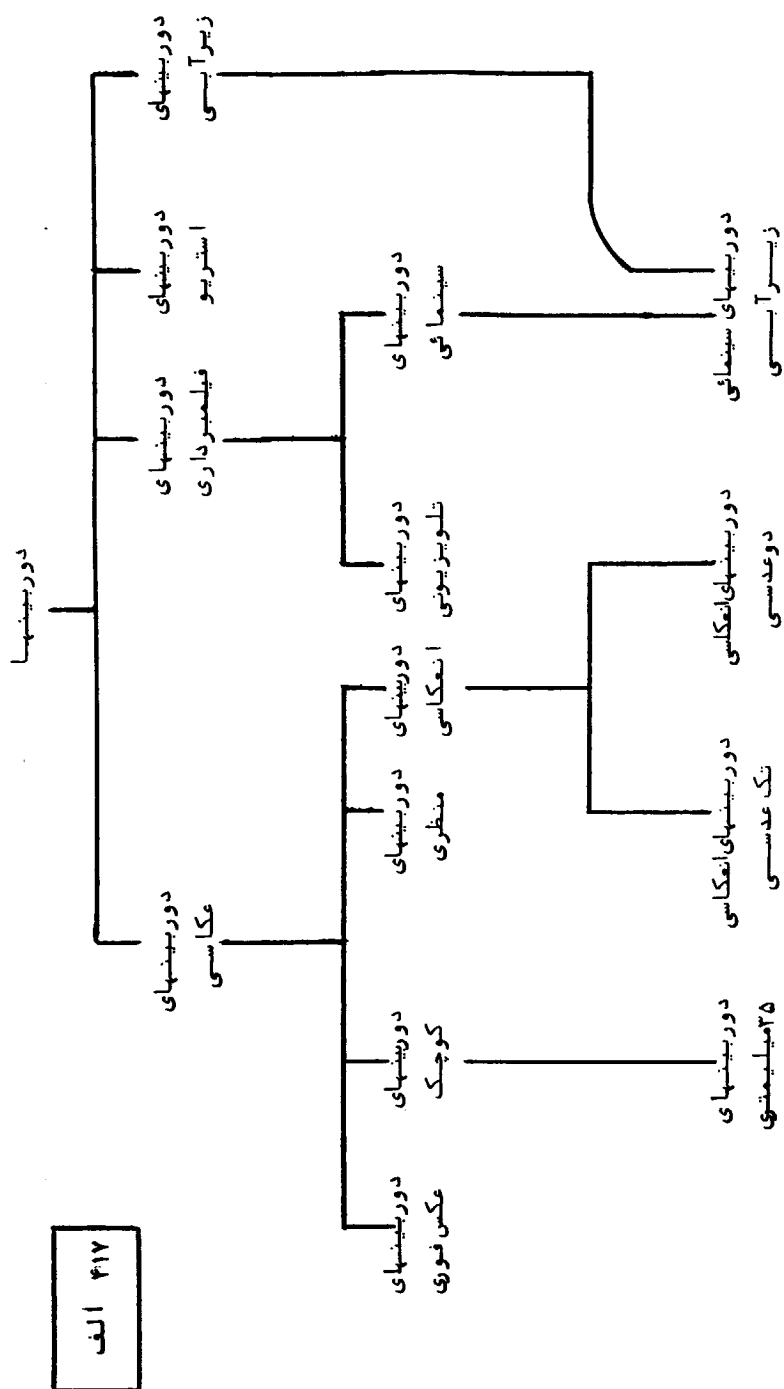
دو) نمایه مربوط به ترسیم پیکانی (تصویر ۴ ب) نه تنها یادداشت دامنه و

غیره را دربرمی‌گیرد، بلکه شامل ارجاعات ام و اخص نیز می‌شود.

در مواردی که بخش‌القبایی حاوی بخش‌اعظم اطلاعات تعریفی و ربطی است، نقش‌بخش اصلی اصطلاحنامه را برعهده دارد. در چنین وضعی، این بخش می‌تواند تا حد يك اصطلاحنامه القایی که در بخش ۲/۹ توضیح داده شده غنی‌تر باشد. در اینگونه موارد، بخش نمایش ترسیمی نقش متمم را برعهده دارد. در اصطلاحنامه‌های تخصصی، نمایش ترسیمی غالباً "خاص موضوعات اصلی است"، در حالیکه در بخش‌القبایی کلیه اصطلاحات منعکس می‌شوند.

۳/۴/۹ ترسیم درختی، در تصویر ۳ الف نشان داده شده است. "دربینها" بعنوان بهترین اصطلاح در بالای نمودار ظاهر می‌شود، اصطلاحات اخص در مواضع تبعی درج گردیده، و روابط سلسله مراتبی با خطوط ارتباطی نمایش داده می‌شود. این نوع نمایش در مورد طرحهای نسبتاً ساده موثرتر است. در نتیجه، یادداشتهای دامنه، مترادفها و اصطلاحات وابسته از نمودار درختی حذف شده و به بخش‌القبایی منتقل گردیده‌اند. درخت بعنوان يك کل با نشانه "۴۱۲ الف" مشخص شده است، و این نشانه بعنوان ارجاع به هریک از اصطلاحات بخش‌القبایی که در تصویر ۳ ب نشان داده شده است تعلق می‌گیرد. بخش‌القبایی شامل اصطلاحاتی نیز هست که به سایر درختها (که در این متن نشان داده نشده) تعلق دارد، نظیر "تلوزیون"، که متعلق به ساختنی است که با "۶۸۵ ر" مشخص شده است.

تصویر ۳ الف : ترسیم درختی



الف ۳۱۷

۰۴/۴/۹۰ ترسیم یکنی. در تصویر ۴ الف نمایش داده شده است. در این نمایش، عامترین اصطلاح، یعنی "دوربینها"، در موضع نسبتاً مرکزی قرار گرفته و با حروفی متفاوت با حروف دیگر چاپ می‌شود. اصطلاحات اخص در سایر مواضع درونی شبکه قرار می‌گیرند، و سطوح تبعی با استفاده از خطوط پیوسته و فاصله آنها نسبت به عامترین اصطلاح نشان داده می‌شود. اصطلاحات همبسته، که هر یک با نشانی شبکه خاص خود مشخص شده‌اند، در خارج از شبکه اصلی چاپ شده و با خطوط نقطه چین مرتبط می‌شوند. کل نمایش با نماد "۴۱۷ الف" مشخص شده و این نماد بخشی از نشانی هر اصطلاح است که در قسمت الفبایی، نظیر تصویر ۴ ب، منعکس می‌گردد. بعلاوه، موضع هر اصطلاح در تصویر از طریق ارجاع به نظام شبکه‌ای نشان داده می‌شود و این ارجاعات در بخش الفبایی نیز چاپ می‌شوند. در این مثال، بخش الفبایی حاوی کلیه اطلاعات تعریفی و ربطی است و بدینجه خود عمل اصطلاحنامه الفبایی را انجام می‌دهد.

تصویر ۳ ب: نمایه الفبایی متعلق به ترسیم درختی

تلویزیون ۶۸۵

او: دوربینهای تلویزیونی ۴۱۷ الف

دوربینها ۴۱۷ الف

او: عکاسی ۵۶۲

دوربینهای استریو ۴۱۷ الف

دوربینهای انعکاسی ۴۱۷ الف

دوربینهای انعکاسی تک عدسی ۴۱۷ الف

تصویر ۳ ب : نمایه الفبایی متعلق به ترسیم درختی (دنباله)

دوربینهای انعکاسی دودسی ۴۱۷ الف

دوربینهای تلوزیونی ۴۱۷ الف

او : تلوزیون ۶۸۵ ر

دوربینهای خشکی بك دوربینهای منظری

دوربینهای زیرآبی ۴۱۷ الف

او : غواصی ۴۷۳ ت

دوربینهای سینمایی ۴۱۷ الف

او : سینما ۶۶۸ ر

دوربینهای سینمایی زیرآبی ۴۱۷ الف

دوربینهای ۳۵ میلیمتری ۴۱۷ الف

دوربینهای عکاسی ۴۱۷ الف

دوربینهای عکس فوری ۴۱۷ الف

ی. د : دوربینهای که مستقیماً " عکس چاپ

شده را تحویل می دهند .

دوربینهای فیلمبرداری ۴۱۷ الف

دوربینهای کوچک ۴۱۷ الف

دوربینهای منظری ۴۱۷ الف

ی. د : دوربینهایی که از طریق حرکت

عدسیها تنظیم می شوند .

ج : دوربینهای خشکی

سینما ۶۶۸ ر

او : دوربینهای سینمایی ۴۱۷ الف

تصویر ۳ ب : نمایه الفبایی متعلق به ترسیم درختی (دنباله)

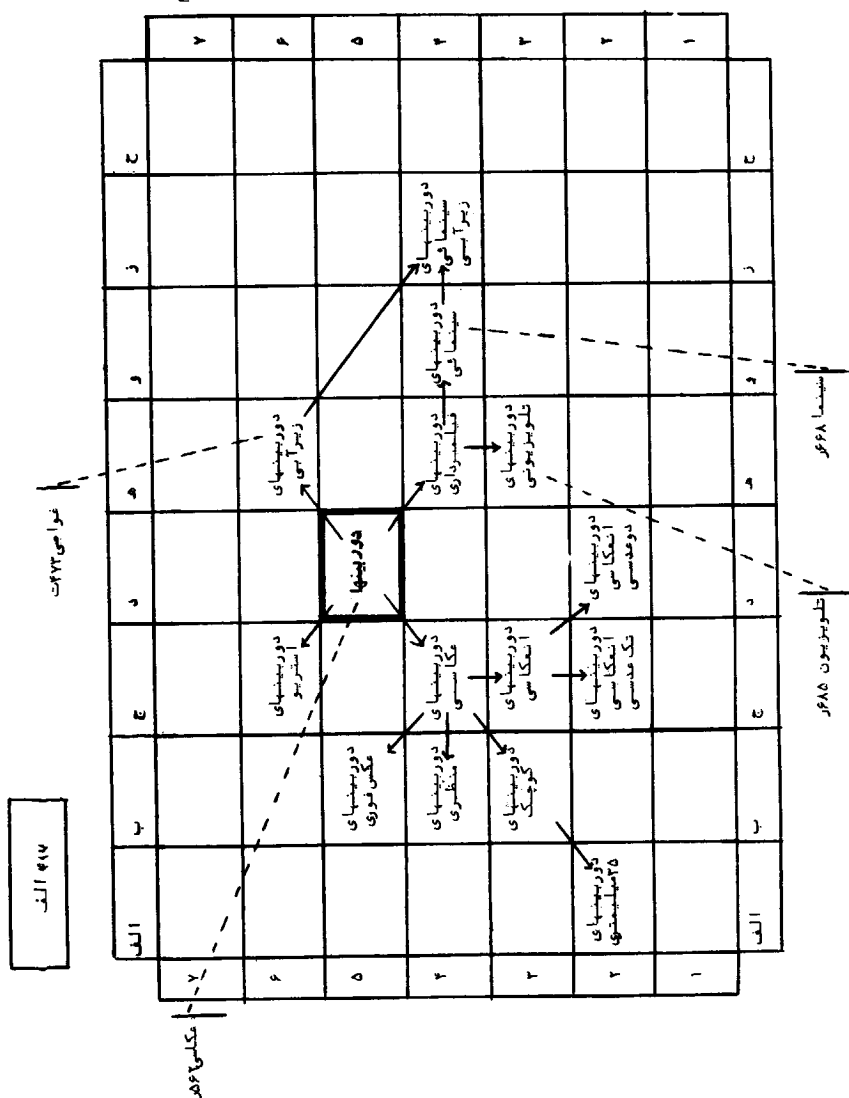
عکاسی ۵۶۲ر

او : دوربینها ۴۱۷ الف

فواصی ۴۷۳ ت

او : دوربینهای زیرآبی ۴۱۷ الف

تصویر ۴ الف : ترسیم پیکانسی



تصویر ۴ ب : نمایه الفبایی متعلق به ترسیم پیکانی

تلویزیون ۵۵/۶۸۵ر

او : دوربینهای تلویزیونی ۴۱۷ الف

دوربینها ۵۵/۴۱۷ الف

او : عکاسی ۵۶۲/

دوربینهای استریو ۶ج/۴۱۷ر

اع : دوربینها

دوربینهای انعکاسی ۳ج/۴۱۷ الف

اع : دوربینهای عکاسی

اخ : دوربینهای انعکاسی تک عدسی

دوربینهای انعکاسی دو عدسی

دوربینهای انعکاسی تک عدسی ۲ج/۴۱۷ الف

اع : دوربینهای انعکاسی

دوربینهای انعکاسی دو عدسی ۲د/۴۱۷ الف

اع : دوربینهای انعکاسی

دوربینهای تلویزیونی ۳ه/۴۱۷ الف

اع : دوربینهای فیلمبرداری

او : تلویزیون ۶۸۵ر

دوربینهای خشکی تک دوربینهای منظری

دوربینهای زیرآبی ۶ه/۴۱۷ الف

اع : دوربینها

اخ : دوربینهای سینمایی زیرآبی

او : فواید ۴۷۳ ت

تصویر ۴ ب : نطایه الفبایی متعلق به ترسیم پیکانی (دنباله)

دوربینهای سینمایی ۴/و ۴۱۷/الف

دوربینهای سینمایی زیرآبی ۴/ز ۴۱۷/الف

اع : دوربینهای سینمایی

دوربینهای زیرآبی

اع : دوربینهای فیلمبرداری

اخ : دوربینهای سینمایی زیرآبی

او : سینما ۶۶۸ ر

دوربینهای ۳۵ میلیمتری ۲/الف ۴۱۷/الف

اع : دوربینهای کوچک

دوربینهای عکاسی ۴/ج ۴۱۷/الف

اع : دوربینها

اخ : دوربینهای انعکاسی

دوربینهای عکس فوری

دوربینهای کوچک

دوربینهای منظری

دوربینهای عکس فوری ۵/ب ۴۱۷/الف

ی*د : دوربینهایی که مستقیماً " عکس

چاپ شده را تحویل می دهند •

اع : دوربینهای عکاسی

دوربینهای فیلمبرداری ۴/ه ۴۱۷/الف

اع : دوربینها

اخ : دوربینهای تلوزیونی

دوربینهای سینمایی

تصویر ۴ ب : نمایه الفبایی متعلق به ترسیم پیکانی (دنباله)

دوربینهای کوچک ۳ب/۴۱۷ الف

اع : دوربینهای عکاسی

اخ : دوربینهای ۳۵ میلیمتری

دوربینهای منظری ۴ب/۴۱۷ الف

ی.د : دوربینهایی که از طریق حرکت

عدسیها تنظیم می شوند *

بج : دوربینهای خشکی

اع : دوربینهای عکاسی

سینما ۵د / ۶۶۸ ر

او : دوربینهای سینمایی ۴۱۷ الف

عکاسی ۵د / ۵۶۲ ر

او : دوربینها ۴۱۷ الف

غواصی ۵ز / ۴۷۳ ت

او : دوربینهای زیرآبی ۴۱۷ الف

۱۰. جنبه های مدیریت در ایجاد اصطلاحنامه

۱۰/۱۰. روشهای تدوین

۱۰/۱/۱/۱۰ در مورد شکل اصطلاحنامه (ام از سیاهه الفبایی، نمایش نظام یافته، یا

نمایش ترسیمی) باید حتی الامکان پیش از گردآوری و تعیین اصطلاحات

مورد نظر، تصمیم گیری شود * دو برخورد مقدماتی در ایجاد اصطلاحنامه

ممکن است *

الف) روش قیاسی. در اجرای این روش، اصطلاحات طی مرحله مقدماتی — نایه سازی از مدارك استخراج می گردد؛ ولی تا به تعداد کافی اصطلاح گردآوری نشده — نه هیچگونه کوششی برای کنترل واژگان بعمل می آید، و نه روابط مابین اصطلاحات تعیین می شود. پس از این مرحله کلیه اصطلاحات توسط گروهی از متخصصان، که ترجیحا " ترکیبی از نایه سازان و متخصصان موضوعی هستند، بررسی می گردد. این افراد نخست به تعیین اصطلاحاتی می پردازند — که نمایشگر مترین مقولات هستند — و سپس بقیه اصطلاحات را براساس روابط منطقی آنها، در این مقولات جای می دهند. بدین ترتیب، ساخت مقوله ها از عام به خاص پیش می رود. کنترل واژگان در مرحله ای صورت می گیرد که مقوله ها تعیین شده باشند. اصول این کار در بخشهای 5 تا 7 مورد اشاره قرار گرفته است.

ب) روش استقرائی. در روش استقرائی، اصطلاحات جدید به محض ظهور در مدارك، برای ورود به اصطلاحنامه پذیرفته می شوند. کنترل واژگان از آغاز صورت می گیرد، و هر اصطلاح به محض ورود، عضوی از يك یا چند مقوله متری تلقی می گردد که در مرحله مقدماتی بطور موقت ایجاد شده است. بنابراین، اصطلاحنامه از خاص به عام پیش می رود. ایجاد اصطلاحنامه از آغاز، علی مداوم تلقی می شود، و هرچند یاری متخصصان فن ضروری است؛ ولی نیازی نیست که عضو رسمی گروه یا کمیته ویرایش باشد.

۱۰/۱/۲۰. در عمل، ممکن است روشهای قیاسی و استقرائی هر دو در مراحل مختلف ایجاد اصطلاحنامه بکار روند. فی المثل، مقوله هایی که بدو " به شیوه استقرائی ایجاد شده ممکن است بعدا " توسط گروه ویراستارانی مرکب از نایه سازان و متخصصان، از لحاظ قیاسی مورد بررسی و آزمایش قرار گیرد. هر دو شیوه عمدتا " جنبه علی دارند، و از آغاز باید پذیرفت که تصمیمات مراحل نخستین ممکن است براساس تجربه های کسب شده بعدی، پیوسته مورد تجدید نظر قرار گیرد. افزون

اصطلاحات جدید به زبان نمایی آنها " به روشن شدن تصمیمات پیشین در مورد اصطلاحات و روابط متقابل آنها کمک می‌کند . تدوین کنندگان باید پیوسته اصطلاحات و سلسله مراتب را بازبینی کنند تا مطمئن شوند که روابط مابین اصطلاحات ، عامل بندی اصطلاحات مرکب ، و غیره طبق اصول عامی که قرار است بطور هماهنگ دنبال شوند شکل گرفته است . باید موکداً توصیه کرد که نظر متخصصان در باب گزینش يك اصطلاح از میان مترادفها و صورتهای متفاوت آن ضروری است .

۰۲/۱۰ ضبط اصطلاحات . در مورد هر اصطلاح پذیرفته شده باید سابقه ای جداگانه ، مثلاً " بر روی برگه ، تهیه و نگهداری شود . عمل ضبط باید به محض پذیرفته شدن اصطلاح صورت گیرد ، و ماخذ آن اصطلاح (بویژه در باب واژه های ساختگی و اصطلاحات نامانوس) ، نام مراجع مورد مشورت ، تاریخ ورود به اصطلاحنامه ، و ارجاع به اصطلاحات مترادف ، ام و اخص ، و وابسته ذکر شود .

۰۳/۱۰ ارزشیابی اصطلاح . صحت يك اصطلاح باید حتی الامکان قبل از اجازه ورود آن به اصطلاحنامه ارزیابی شود ، و تدوین کننده باید روابط مابین اصطلاح جدید و سایر اصطلاحات موجود در سلسله مراتب مربوط را مورد بررسی قرار دهد . باید قبل از پذیرفتن يك اصطلاح ، مراجع زیر را مورد بازبینی قرار داد :

الف) لغتنامه ها و دایرة المعارفهای فنی استاندارد ؛

ب) اصطلاحنامه های موجود ؛

ج) طرحهای رده بندی ؛

د) نمایی های نشریات و چکیده نامه ها ؛

هـ) راهنماهای جاری و متون درسی ؛

و) متخصصان موضوعی ، بویژه آنهايي که با نمایی سازی و دکومانتاسیون آشنایی دارند .

۰۴/۱۰. تخصیص. استفاده از اصطلاحات بسیار تخصصی معمولاً " باید محدود به قلمرو اصلی زمینه موضوعی اصطلاحنامه باشد؛ زیرا استفاده بیش از حد از اصطلاحات بسیار تخصصی قلمروهای جنبی ممکن است به اصطلاحنامه ای نامتوازن بینجامد (نگاه کنید به بخش ۸/۲/۴) در سازمانی که با مدارک زمینه های مختلف موضوعی سروکار دارد، ممکن است توسعه چند اصطلاحنامه تخصصی ضروری باشد، بطوریکه هر یک از آنها بگونه ای با اصطلاحنامه عمومی همان سازمان که از لحاظ تخصصی بودن در سطح پایین تری قرار دارد ارتباط داشته باشد.

۰۵/۱۰. قبول و رد اصطلاحات

۰۱/۵/۱۰. اصطلاحات و روابط آنها باید عموماً " منعکس کننده شیوه هایی باشد که توسط متخصصان موضوعی در استفاده از زبان در آن زمینه دنبال می شود. هرگاه اصطلاح متداولی بخاطر هماهنگی منطقی عامل بندی می شود (رجوع کنید به ۳/۲) باید ارجاعی از صورت عامل بندی نشده و نامرچ اصطلاح فراهم گردد.

۰۲/۵/۱۰. هنگام ایجاد سلسله مراتب، بهرچه در طول مراحل مقدماتی برخورد استقرائی، اصطلاحاتی که هنوز در نایه سازی بکار گرفته نشده برای ورود به اصطلاحنامه پذیرفته می شوند، با این توجیه که می توانند نقطه شروع مفیدی باشند (نظیر اصطلاحات ام)، و به نوبه خود بالقوه ارزش آنها دارند که تبدیل به اصطلاحات مرجع شوند. اینگونه اصطلاحات باید با نشانه های خاصی در سوابق مستند اصطلاحات نگهداری شوند و یا با عباراتی چون " هنوز بکار نرفته " مشخص گردند. بعضی اینکه اصطلاحی برای نایه سازی مدرکی بکار گرفته شد، آن نشانه یا عبارت حذف می شود.

۰۳/۵/۱۰. اصطلاحات کثیرالاستعمال و آنهایی که تجربه نشان داده است که بندرت مورد استفاده قرار می گیرند، باید از اصطلاحنامه حذف شوند؛

زیرا عموماً " هر دوی آنها در زبان‌های ناموثربند " در برخی موارد ، اصطلاحات کثیرالاستعمال را می‌توان با دویا چند اصطلاح خاصتر جایگزین کرد . اگر اصطلاحی از اصطلاحنامه حذف شود ولی در سوابق نمایه‌ای پیشین هنوز وجود داشته باشد ، آن سوابق را باید به عبارت " فقط برای زبان‌های " مشخص ساخت و تاریخ را قید کرد .

۶/۱۰ . استفاده از تجهیزات داده‌آمایی خودکار

۱/۶/۱۰ . در سراسر این استاندارد ، چنین فرض شده است که گزینش اصطلاحات ، انتخاب شکل ، و غیره نیاز به تصمیمات اندیشمندانه نمایه‌سازان دارد ؛ ولی از ماشین نیز می‌توان در موارد زیر یاری جست :

الف) اصطلاحات مورد نظر را می‌توان بطور خودکار از متون ماشین خوان نظیر سیاهه عنوانها و چکیده‌ها ، استخراج کرد . تعداد اصطلاحات بالقوه باید نخست با استفاده از سیاهه‌بازدارنده گاهش‌یابد ، و بقیه اصطلاحات را باید با آنچه قبلاً " در اصطلاحنامه ضبط شده است مقابله کرد . اصطلاحات ضبط نشده را می‌توان بعنوان اصطلاحات بالقوه مطلوب در نظر داشت .

ب) در نظامهای نمایه‌سازی ماشینی ، بسامد کاربرد اصطلاح در نمایه‌سازی — و شاید در جستجو نیز — بطور خودکار ثبت می‌شود . اصطلاحاتی که دارای درجه بسامدی بسیار بالا یا بسیار پایین هستند ، برای حذف در نظر گرفته می‌شوند .

۲/۶/۱۰ . تجهیزات و نرم افزارهای موجود گهگاه ممکن است هنگام تولید اصطلاحنامه از پیشینه‌های ماشینی ، محدودیت‌هایی بیافرینند . ویژگیهای زیر ممکن است بیش از همه اثر بگذارند :

الف) تعداد حروفی که در يك اصطلاح باید باشد ؛

ب) حروف و علایمی نظیر نقطه گذاریها که در دستگاه چاپ وجود دارد ؛

ج) تعداد مراتب توریفتگی بی که در اصطلاحنامه نظام یافته مجاز است .

نمایه سازان باید به تجهیزات و برنامه هایی که قادرند نیازهای خاص اصطلاحنامه را برآورد دسترس داشته باشند . نباید اصطلاحنامه را با مقسودورات ناکافی يك ماشین منطبق ساخت .

۷/۱۰ . شکل و محتوای اصطلاحنامه

۱/۷/۱۰ . به سبب تعدد انواع نمایشهای موجود (به بخش ۹ رجوع کنید) ،

نمی توان شکل معیاری برای اصطلاحنامه ارائه داد ؛ ولی اجزاء زیر را

می توان بروشنی تفکیک کرد :

الف) صفحه عنوان ؛

ب) فهرست مندرجات ؛

ج) مقدمه ؛

د) نمایشهای نظام یافته یا ترسیمی (در صورت نیاز) ؛

هـ) بخش الفبایی .

۲/۷/۱۰ . کلیه اصطلاحنامه ها باید حاوی مقدمه ای جامع باشند که نکات زیر

را بروشنی بیان کند :

الف) هدف اصطلاحنامه ؛

ب) پوشش موضوعی ، با تفکیک روشن زمینه های اصلی و جنبی ؛

ج) معنای کلیه علائم و اختصارات ؛

د) تعداد کل اصطلاحات ، و تعداد اصطلاحات مرجح و نامرجح به تفکیک ؛

هـ) قوانین حاکم برگزینش صورتهای مرجح اصطلاحات نمایه ای ، و تصمیم در سبب روابط متقابل آنها ؛

و) قواعدی که در ردیف بندی رعایت شده ، و در صورت امکان اشاره به استاندارد

ملی یا بین المللی مناسب که قواعد از آن اخذ گردیده است ؛

ز (معنای آن علایم نقطه گذاری که بگونه ای غیر معیاری مورد استفاده قرار گرفته اند ؛

ح (بیان سیاست روزآمد کردن اصطلاحنامه ، و نام و نشانی سازمان مسئول که پیشنهادات و نظرات باید برای آن فرستاده شود ؛

ط (تاریخی که آخرین اصطلاح به آن افزوده شده است .
این نکات را باید حتی المقدور با مثالی همراه ساخت .
۸/۱۰ . سایر نکات ویرایشی

۱۰/۸/۱۰ اعلام تصمیم . هنگامی که سازمانی تصمیم دارد اصطلاحنامه جدیدی

منتشر کند ، چنین قصدی باید در يك نشریه حرفه ای مناسب اعلام گردد .

۱۰/۸/۲۰ . پرهیز از دوباره کاری ، تدوین کننده اصطلاحنامه باید از طریق

تعاس با یکی از مراکزی که نامشان ذیلا " خواهد آمد اطلاع حاصل کند که

آیا اصطلاحنامه ای موجود است که آن حوزه ، دانش را در برگرداند

با آن تداخل داشته باشد . دوباره کاری کامل ، بدرت پیش می آید ؛

لیکن دسترس مقدماتی به يك یا چند اصطلاحنامه در زمینه های

وابسته ، غالبا " نقطه آغاز مفیدی است .

۱۰/۸/۳۰ . ارائه اصطلاحنامه به يك مخزن اطلاعاتی^(۱) يك نسخه از نخستین

ویرایش و هريك از ویرایشهای بعدی باید در اختیار يك مخزن اطلاعات

ملی مناسب ، و یکی از مراکز مشابه بین المللی زیر قرار گیرد :

الف (در باب اصطلاحنامه های انگلیسی ، یا چندزبانه هایی که بخشی به زبان انگلیسی دارند :

Thesaurus Clearinghouse .

The Library ,

Faculty of Library Science ,

University of Toronto ,

140 St George Street ,

1. Clearing house,

Toronto
Ontario M5S 1A1
Canada

ب (اصطلاحنامه های سایر زبانها:

Centralny Instytut Informacji Naukowo Technicznej
Economicznej (CIINTE)
Clearinghouse
Al. Niepodleglosci 188
Warsaw
Poland

۱۰/۸/۴۰ • مراحل تجدید نظر يك اصطلاحنامه باید پیش از انتشار ، در سطح محدودی آزموده شود . نسخه ای از صورت مقدماتی آن باید میان گروه برگزیده ای از استفاده کنندگان توزیع شود و پیشنهادات آنان در باب اصطلاحات و روابط مابین آنها مورد توجه پیراستاران قرار گیرد . اصطلاحنامه باید پس از مدتی استفاده مورد تجدید نظر کلی قرار گیرد ، و از آن پس نیز دگرگونیهایی که در کاربرد اصطلاحات صورت می گیرد در اصطلاحنامه انعکاس یابد .

پیوست : نمادی کردن روابط اصطلاحنامه ای

۱۰ • در این استاندارد ، نمادهای زیر برای بیان روابط اساسی اصطلاحنامه ای بکار رفته است:

روابط هم ارز

بك پیش از اصطلاح مرجع
بج پیش از اصطلاح نامرجع

ا.ر = اصطلاح راس در يك سلسله مراتب

ا.ع = اصطلاح اعم

تمايزات دیگر با استفاده از نمادهای زیر مشخص می شود :

ا.ع.ج = اصطلاح اعم (جنس و نوع)

ا.ع.ك = اصطلاح اعم (كل و جزء)

ا.خ = اصطلاح اخص

تمايزات دیگر با استفاده از نمادهای زیر مشخص می شود :

ا.خ.ج = اصطلاح اخص (جنس و نوع)

ا.خ.ك = اصطلاح اخص (كل و جزء)

رابطه همبسته

ا.و : اصطلاح وابسته

نمادهای معادل که اختصارات سایر زبانها را نشان می دهد نیـــــــمزد در

اصطلاحنامه های منتشر شده به چشم می خورد . نمونه ای از اینگونه اختصارات در بخش

۴/۲ آمده است.

۰۲ این نمادها ، به سبب کاربرد عامی که دارند مقام علیم معیاری را یافته اند ؛ ولی تا حدود زیادی وابسته به زبان هستند . آن دسته از سازمانهای نمایی سازی که استفاده کنندگان شان دارای تنوع زبانی هستند ، از جمله سازمانهایی که به تهیه اصطلاحنامه های چند زبانه می پردازند ، ممکن است نظامی از نمادهای خنثی یا ناوابسته به زبان را ترجیح دهند . آنچه در زیر می آید ، بعنوان نظامی ممکن پیشنهاد می شود . این نمادها توسط کمیته ای از سازمان بین المللی استاندارد تهیه و پیشنهاد شده است :

رابطه هم ارز

= پیش از اصطلاح مرجح
 ≠ پیش از اصطلاح نامرجح

رابطه سلسله مرانی

پیش از اصطلاح ام	>
پیش از اصطلاح ام (کل و جزء)	ك
پیش از اصطلاح اخص	<
پیش از اصطلاح اخص (کل و جزء)	ك

رابطه همیشه

— پیش از اصطلاح وابسته

پیوند

« ما بین دو اصطلاح می آید تا نشان دهد که آن دو اصطلاح توأم " برای بیان يك مفهوم مرکب بکار رفته اند .

بعضی از این نمادها را در ماشین تحریرهای متداول نمی توان یافت ؛ ولی در بعضی دستگاههای چاپ کامپیوتری وجود دارند و می توان به سهولت آنها را برای حروف چینی دستی یا ماشینی اصطلاحنامه نیز تهیه کرد .

۰۳. باید تأکید کرد که آنچه گفته شد تنها در باب اصطلاحنامه های چاپی صادق است. روابط مابین اصطلاحات را در اصطلاحنامه هایی که به شکل ماشین خوان (نظیر صفحه یا نوار) تهیه می شوند، می توان از طریق ترکیب مطلوب حروف نمایش داد بشرط آنکه برای بیان اینگونه روابط در فرم چاپی آن، از تدابیر و یا اختصارات معیاری استفاده شود.

Guidelines for the Establishment and Development
of Monolingual Thesauri

Second revised edition

Prepared by: Derek Austin and Peter Dale

Translated by: Dr. Abbas Horri

Published by: Iranian Documentation Centre

P.O. Box 13185-1371, Tehran, Iran

Copies: 1000

Price: Rials 200

Printed at the Print House of Iranian Documentation Centre



Islamic Republic of Iran
Ministry of Culture and Higher Education

Guidelines for the Establishment and Development of Monolingual Thesauri

Second revised edition

Prepared by: Derek Austin and Peter Dale

Iranian Documentation Centre
Tehran, 1987
